

سنجش ارزشهای کهنه و نو در نثر جدید  
فارسی: ویژگیهای تغییرات اجتماعی و فرهنگی

مقاله برای دریافت پیش دکتري

نگارش

نور الحق سیوانی

تحت راهنمایی استاد گرامی

دکتر سید عین الحسن



مرکز مطالعات زبان و ادبیات فارسی و آسیای مرکزی، دانشکده  
مطالعات زبان و ادب و فرهنگ، دانشگاه جواهر لعل نهرو،

دهلی نو-۱۱۰۰۶۷

سال ۲۰۰۲ میلادی



जवाहरलाल नेहरू विश्वविद्यालय  
JAWAHARLAL NEHRU UNIVERSITY  
NEW DELHI-110067

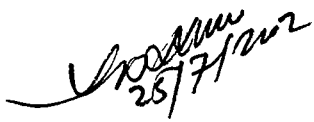
Center of Persian and Central Asian Studies

Declaration

Date: 19th July 2002

I declare that the material in this dissertation entitled "**STUDIES ON 'OLD' AND 'NEW' VALUES IN MODERN PERSIAN PROSE: A CASE STUDY OF CHANGING SOCIO-CULTURAL PATTERNS**" submitted by me is my original research work and has not been previously submitted for any other degree of this or any other university /institution.

  
NURUL HAQUE SIWANI

  
Dr. SYED AINUL HASAN  
Supervisor  
CP&CAS/SLL&CS

  
Prof. (Miss) S.J. HAVEWALLA  
Chairperson

25 JUL 2002  
CP&CAS/SLL&CS  
Professor (Miss) S.J. Havewalla  
Chairperson  
Centre of Persian & Central Asian Studies  
School of Languages  
Jawaharlal Nehru University  
NEW DELHI-110067 INDIA

تقویم

بہ

ماہنامہ وپیکر

## فصلنامه

۶-۱

پیشگفتار.....

فصل اوّل..... محاسبهٔ روند ادبی در قرن نوزدهم و بیستم

۴۶-۷

میلادی در ادبیات نثر فارسی -

فصل دوّم..... بررسی انتقادی دربارهٔ تأثیرات خارجی بر

۶۹-۴۷

زندگی اجتماعی و فرهنگی ایران -

فصل سوّم..... سهامی دانشمندان و نویسندگان و

اندیشمندان معاصر ایران در تنظیم و ترتیب سیستم آموزش و

۹۵-۷۰

پرورش -

فصل چهارم..... تحلیلی انتقادی دربارهٔ تعویض نیازهای

اجتماعی و فرهنگی در ادبیات نثر فارسی از دید اخلاقی، معنوی

۱۲۹-۹۶

، فلسفی و فرهنگی

۱۳۲-۱۳۰

نتیجه گیری

۱۳۸-۱۳۳

کتابنامه

پیشگفتار

سرزمین ایران همیشه مرا بسوی خود جلب می کند- در روزهای کودکی داستانهای گوناگون، کارنامه های رستم و سهراب و پادشاهان بزرگ ایران ما را شیفته این سرزمین فرهنگ و ادبیات فارسی کرده بود- در آغاز دوره آموزشی شیرینی زبان پارسی و فرهنگ جهانگشای آن سرزمین که خیلی نزدیک به فرهنگ میهن ما بوده است، برایم دلکشی تمام نشدنی داشته بود- شاید بنا بر همان کشش هائی بود که پس از لسانس در رشته علوم دلم نمی خواست تحصیلات خود را ادامه بدهم و یک بار دیگر وارد دانشگاه شدم تا موضوع دلپسند خود را مطالعه کنم- خوشبختانه در دانشگاه جواهر لعل نهرو در بخش زبان و ادبیات فارسی پذیرش یافتم- به راستی دلم گواهی میداد که پس از یک دوره سرگردانی و گمراهی به سوی منزل دلخواه خود گام برداشته بودم-

تاریخ ایران، تاریخی است پر از کشمکش پیاپی بین دو عنصر مخالف که بارها کوشیده است کلمه "ایرانی" را تکه پاره کند ولی هزاران آفرین بر آن "ایرانی" که همیشه با نیروی منش

خود توانسته است راه درست را انتخاب کند و پیروز گردد.

من شیفتهٔ عاطفهٔ میهن‌دوستی ایرانیان هستم - چه بسا حملهٔ واران سنگدلی و دیومنشی که بر سرزمین ایران تاخته اند! ما پندیان هنوز هم از "قتل عام" یک روزهٔ نادرشاه را با صدای بلند مورد نکوهش قرار می‌دهیم - چه بسا ضحاکها و ترک و تاتارها و تیمورها و چنگیزها و نادر افشارها که برای از بین بردن نسل نجیب ایرانی کوشیده بودند ولی به موفقیت نرسیدند! تاریخ گواهی می‌دهد که بیشتر آنها ترجیح میدادند که بجای تحت گوهر آگین خود هر روز عصری بر تپهٔ سربریده ایرانیان جوان بنشینند.

فردوسی ایرانیان را در شاهنامهٔ خود با واژه "آزادگان" آفرین گفته است. این آزادگان در هر زمان مجبور بوده‌اند برای برقراری "آزادی" خود بر خلاف ستمکاران و سنگدلان با جا نفشانی رو به میدان بیاورند. ایرانیان پیایی تلاش خود را برای برقرار داشتن شناسائی خود ادامه داده‌اند. در میان ملت‌های شکست خورده از دست سپاه اسلامی تنها ایرانیان بوده‌اند که پس از پذیرفتن دین نو (اسلام) هم راضی نبودند که زبان گرامی ایران از دست بدهند. چون آن زبان نمونه و نشان

شناسائی فرهنگ کهنسال و گرانبهای ایران و ایرانیان بوده است.  
در نتیجه امروز و نیز با وجود دشواریهای زیاد زبان پارسی پیر  
و زمندانه بر خلاف هر اشکالی میتواند ایستادگی کند.

با آغاز دوره قاجار ادبیات فارسی از تحولاتی بزرگی  
گذشته است، نویسندگان نهضتی بنام 'بازگشت ادبی' را آغاز  
کردند و بنابراین مباحثه ای در مورد کهنه پرستی و نوگرایی  
بوجود آمد. ایران در دوره قاجار رابطه خود را با اروپا استوار  
کرده، چنانچه بسیاری از دانشجویان برای تحصیلات به اروپا  
رفتند. اروپا ایران را خیلی متأثر کرد و تحولاتی بزرگی در ادبیات  
فارسی رخ نمود. نویسندگان و اندیشمندان عقیده داشتند که  
ادبیات باید برای عامه مردم باشد. در نتیجه زبان ساده و  
عامیانه یعنی زبان بازارها و کوچه ها را داخل ادبیات کردند و  
اینطوریک روش نو بوجود آوردند. برای بررسی و مطالعات در  
مورد ارزش کهنه و نو در ایران و نفوذ آن بر نثر فارسی جدید کار  
بسیار جالب بنظر می آید ولی بهیچ وجه آسان نبوده است.  
چنانچه برای ادای مطالب، موضوع در دست را در فصلهای زیر  
منقسم کرده ام:

فصل اول :- نویسندگان ایران در وهله نخست ساده



نویسی را در قرن نهم میلادی در خراسان آغاز کردند ،  
در حالیکه (در هند) ابوالفضل ' وزیر اکبر ' این روش را خیلی پیش  
اختیار نمود ولی نویسندگان از وی پیروی نکردند و اینطور این  
روش ادامه نداشت ولی در دوره جدید ، این روش دوباره آغاز  
گردیده که شاید مدیون انقلابات بیداری گوناگون جهان باشد.

فصل دوم :- قبل از استوار شدن ارتباط با اروپا و  
کشورهای دیگر آن سوی زمین ' مردم ایران از مفهوم حق و  
عدالت و آزادی آگاه نبودند ولی بعد از درک کردن این برای حق  
خود جدوجهد کردند و کامران شدند و از اینرو در زندگی آنها  
تحولات بزرگ روی داد. ایرانیان اینطور متاثر بودند که لباس را  
هم به طرز مردم غرب ساختند و می پوشیدند.

فصل سوم :- روشنفکران ، نویسندگان و  
سیاستمداران در طرح دادن آموزش و دانش نوکارهای خوب  
انجام داده اند. روشنفکران فکر بکری کردند که چطور باید عامه  
مردم از آموزش و دانش بهره بگیرند. چنانچه سهامی افرادی  
چون ملکم خان ، امیر کبیر و صدر اعظم نوری در این فصل مورد  
مطالعه گشته است.

فصل چهارم : این فصل آخرین فصل است ، در این

فصل سعی نموده ام که نیازهای کهنه و نورافصل در سنجش در بیاورم تا آنکه برخورداری که بین دانشمندان ایران بوجود آمده است، علل و اسباب آن روشن گردد.

از همه آموزگاران و استادان با صمیمت قلب سپاسگزار هستم - ذکر جداگانه ای از استاد راهنمای اینجانب من آقای دکتر سید عین الحسن لازم است - راهنمای ایشان تنها محدود به این پایاننامه یا درس و تدریس نبوده است، بلکه در تمام امور زندگی که برایم قابل درک بوده است مرهون منت ایشان می باشد که مرا با ذخیره گرانبهای زندگی نواخته اند.

همیشه از شفقت بیدریغ و تشویق پر خلوص استادان

محترم آقای پرفسور دکتر محمود عالم و خانم پرفسور دکتر صبر جمشید هووالا و خانم دکتر ذاکره قاسمی و پرفسور عبد الودود اظهر و دکتر راشد و دیگران برخوردار بوده ام.

از آقایان صدر عالم، دکتر اخلاق احمد انصاری، دکتر شمسی و صلاح الدین و خانم حنا کوثر سپاسگزارم که آنان در تکمیل این مقاله همکاری می کردند.

از برادران کوچک چون اکرام الحق، احسان الحق و انعام الحق و نیز از برادران بزرگ سپاسگزارم که همه ایشان در

تکمیل این مقاله تشویق نمودند و حوصله بخشیدند.

از دوستانی چون رضوان احمد، عبدالحلیم، سید  
مصطفیٰ اطهر، اطهر حسین، قیصر احمد، عبدالغفار، رضی احمد  
و عقیق الرحمن سپاسگزارم که در تهیه این مقاله تحقیقی یاری و  
همکاری کردند.

پس از آن از هر فرد خانواده خودم را صمیمانه  
سپاسگزارم که هر گونه کمک، تشویق و پشتیبانی برای کسب علم  
نموده اند۔

نورالحق سیوانی

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو۔

# فصل اول

محاسبه روند ادبی در قرن نوزدهم و  
بیستم میلادی در ادبیات نثر فارسی

اندیشه ساده نوشتن فارسی رادر نخستین سالهای  
سده یازدهم هجری، شیخ ابوالفضل دکنی، وزیر اکبر بر زبان  
آورد- در آن روزگاری که شعر و نثر ما اسیر نازک خیالی های  
شیوه 'هندی بود' این سخن بدعت آمیزی نمود و شیخ  
ابوالفضل شاید در نامه های اداری به دشواری می توانست این  
اندیشه را به کار گیرد- اما در آثار دیگرش وقتی که زبان و بیان  
اورا باد یگر نو یسندگان همزمان و بویژه دبیران دربارها کنار  
هم می گذاریم، می بینیم که کاربرد واژه های عربی از ۶ تا ۷۰  
درصد یکبار به ۳۵ تا ۴۰ درصد کاهش می یابد- شیخ ابوالفضل  
می گفت که باید کتابها را ساده کنیم تا شماره بیشتری از مردم  
بتوانند کتاب بخوانند و خود او کلیله و دمنه بهرام شاهلی  
ترجمه نصرالله منشی را ساده تر و کوتا هتر باز نوشت و به آن  
عنوان عیار دانش داد-

اما این کوشش دوام نیافت و دنبال نشد زیر ادیگران  
مانند او بر لغت و زبان فارسی و عربی چیره نبودند و نمی

توانستند معادله‌های موردنیاز برای واژه‌های بیگانه به یابند - گروهی از پیروان وهم گمراه شدند و به بساختن واژه‌های بی پایه پرداختند و آنها در فرپنگ نامه‌های مانند دساتیر و دبستان المذاهب گنجانیدند و کار این گمراهی به انجام کشید که در واژه نامه‌های چون برهان قاطع نیز این واژه‌های برخاسته راه یافت - پس از مرگ ابوالفضل نزدیک دو قرن کسی به راه او نرفت تا در زمان قاجاریان دبیرانی چون ابوالقاسم قائم مقام گامهای تازه‌ای در این راه برداشتند -

اولین شاه قاجار در سال ۱۸۹۶ م بر سر کار آمد و دوره - ای از تحول اجتماعی با شروع احیای نوین ادبی پیوند خورد - مرکزیت دولت منجر به نوعی خدمات جدید کشوری شد که نتیجه آن ایجاد یک طبقه حریفه‌ای از مردم بود که از طریق نو پسندگی امر او معاش می‌کردند و لذا فرصت زیادی برای کنگاش ادبی داشتند - طبقه نویسندگان و خوانندگان جدید دیگر منحصر به روحانیت نبودند بلکه مردم عادی هم خواهان قصه و اخباری راجع به جهان خارج بودند و لذا ملت جدیدی زاده شد -

ایران از آغاز قرن نوزدهم با قدرتهای اروپایی در هند، با امور اروپایی درگیر گردید - حکام ایران پس از شکست

از روسها، از عقب ماندگی خود در مقابله با هما یگان شان آگاه شدند - در میان آنها ی که این مساله را بخوبی دریافته بودند میرزا تقی خان امیر کبیر بود - وقتی که ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۵/۱۸۴۸ به تخت سلطنت رسید، امیر کبیر صدر اعظم شد - میرزا تقی خان وقتی که در روسیه بود دریافت که اگر قرار باشد ایران مستقل گردد به تعلیم و تربیت و تشکیلات اداری نیاز مند است - میرزا تقی خان یکی از بزرگترین ایرانیان ایام اخیر بود که برای اولین بار برای بر آورد نیازهای اصلاحی ایران به کار پرداخت - ادبیات نثر نوین فارسی، یک قسمت برای انتشار این نیاز و یک قسمت هم برای ارضای آن، شروع گردید -

در عهده جدید ترقیات بسیار، در نثر رخ داد و نویسندگان زمان اخیر به قداما مراجعه کردند و از سبک محررین بعد از مغول اعراض نمودند - و دیگر توسعه جدید فن روزنامه نگاری است که هر چند عموماً به یک شیوه بدیع و نغزی منجر نمی شود اما مستلزم ایجاز و استقامت است - از لحاظ طرز و ترتیب و بالا تر از همه از نظر استنوا و تاریخ بیداری ایرانیان تا لیف ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۲۸/۱۹۱۰) را که متاسفانه به انجام نرسیده میتواند بدرجات بر تاریخ های بزرگ و پرمدعای رضا قلیخان و

(روضتة الصفای میر خواندو ناسخ التواریخ) تفصیل نهاد در صورتیه که این دو کتاب بیش از پنجاه سال تقریباً بروی تصدم نداشتند -

با آغاز نوزدهم ایران با امور اروپا آشنا شده و از شکست خوردن به روسیه، حکمران ایران از پسماندگی خود در مقابله روسیه آگاه شد - چند مردم در ایران بودند که از پسماندگی این آگاه بودند در آنها یکی میرزا تقی خان امیرکبیر بود امیر کبیر در دوره حکومت ناصرالدین شاه، از سال ۱۲۶۴هـ تا ۱۲۶۸هـ بر عهده صدر اعظم فائز بود - وقتی که امیرکبیر در روس بود این محسوس کرد که برای پیدا کردن استحکام در ایران تعلیم و تربیت خیلی لازم است - و از اینرو برای تعلیم و تربیت، مدرسه ها یا ادارات درباره دادن تعلیم و تربیت به مردم هم لازم است زیرا که مردم آن دوره ایران بیدار نبودند و حق خود را فراموش کرده بودند - از اینرو برای بیدار کردن آنها این کار خیلی مهمی داشت - و او هم در استعمال کردن زبان ساده خیلی تاکید کرد - او هم مراسلات رسمی را ساده تر نوشت - از این مراسلات رسمی، بسیار نویسندگان و روشنفکران متأثر شدند و



بعداً می خواستند که آنها هم این شیوه را بگیرند و مردم عامه را هم بیدار کنند -

قائم مقام فراهانی صدر اعظم محمد شاه در سال ۱۱۹۳ هـ ق به دنیا آمد و نعمت تقی خان تکلفات مکاتبات رسمی را تغییر داد - تقی خان کار او را ادامه داد و ناصر الدین شاه نیز برای نوشتن کارهای روزانه اش از یک فارسی بسیار ساده سود جست - جهان نوین هم چیزی دیگری برای نویسندگی طلب می کرد: کثرت موضوع دیگر جای برای لفاظیهای طولانی باقی نمی گذاشت - مسافرت به خارج سفر نامه ها را ایجاد کرد یعنی نوعی از سنج ادبی کی تائید دربار را هم به دنبال داشت -

ابوالقاسم قائم مقام یک چهره سیاسی سده سیزدهم هجری در کنار بازیگریهای چرخ سیاست بازار شعر و نویسندگی خود را هم از رونق باز نداشت و در نوشتن مقاله ها و نامه ها و فرما نهایی شیوه ای پیش گرفت که پیروی از روش سعدی بود اما لطیفه های تازه هم در آن دیده می شد، جمله هایش کوتاه و رسا بود - کلمات سنگین و نا آشنای تازی که چند قرن آب و رنگ نگارش بود در آن به چشم نمی خورد - اگر سجع و موازنه یی در سخن او می آمد همراه با خوش آینده و تناسب لفظ و معنی

بود -

هنگامی که عباس میرزا با روسیه می جنگید و روحانیان آزر بایجان مانند پدرش او را به خدا سپرده بودند و علم بردار سپاه ایران از آنها دل کنده بود، قائم مقام از زبان او نامه یی به پدر خود نوشت و به تبریز فرستاد - در اینجا چندی از آن نامه رامی بیان می کنم -

” (والا حضرت ولیعهد) می فرمایند: پلوهای قند و ماش و قدحهای افشرد و آش شما است که حضرات را رها کرده است (یعنی آخوندها را) اسب عربی بی اندازه جور نمی خورد..... خلاف یا بوی دو دروغه (دوگه) که تا قدری جو زیاد دید و در قوروق بی مانع چرید، اول دندان لگد به مهتری که تیمارش می کند می زند..... هر گز علمای تبریز این احترام و عزت و اعتبار و مطاعیت را اندیشه اند - تا در این عهد از دولت ما عنایت ما است که علم کبریا به اوج سما افراشته اند - سزای آن نیکی این بدی است: امروز که مادر برابر سپاه مخالف نشسته ایم و مایملک خود را بی محافظ خارجی به اعتماد اهل تبریز گذاشت، و در شهر پایتخت ما آشوب و فتنه بکنند و دکان بازار ببندند و ”سید حمزه“ و ”باغمیشه“ بروند و شهرت این حرکت را ”مرزویج“ در ملک

روس و "صفی خان" در آستانه پمپون (دربار فتح علی شاه) و دیگران در ملك روم بدیند - روی اهل تبریز سفید !

..... اگر حضرات از آش و پلو سیر نه شوند بجا،

اما شمارا چند افتاده است؟ صدیک آنچه با اهل صلاح حرف جهاد زدید اگر با اهل سلاح حرف جهاد شده بود کافری نمی ماند که مجاهدی لازم باشد - ..... ۳

این گوشه‌های از يك نامه اداری است و با این حال

چیرگی نویسنده را بر سخن پارسی و بازیگری هنر مندانه او را با واژدها نشان می دهد و اندیشه بلند او را نیز آشکاری می سازد این نکته را هم بگویم که در نامه های قائم مقام و بیشتر در نامه های دوستانه اش - آوردن شعرها و مثلها ی پارسی و تازی ، گاه سبب دشواری سخن می شود و نوشته را از فهم خواننده عادی دور می کند اما باز هم این تمثیلات و تضمینها بسیار شیرین و خوش آهنگ است و ارزش هنری نوشته را می افزاید - هنر دیگر او آوردن ترکیبها و مثلها ی عامیانه در نثر ادبی و اداری است و در این راه نیز چیرگی خود را بر زبان مردم نشان داده و شاید این نکته بیشتر از هر نکته دیگر بر لطف سخن او افزوده است - مادر نثر قائم مقام عباراتی از این گونه می بینیم: "دیگ

میان دوری جوش نمی آید..... ”یا“..... این آخرها عجب شاعری شده بود! خوب می گفت آتش می زد، قیامت می کرد..... ”یا“..... از سایهٔ ماها فرار می کنند.....“<sup>۱۴</sup>

و ما نند این جمله ها که همه به زبان مردم کوچه و بازار است  
امادرمیان عبارتهای استوار ادبی جا افتاده است -

قائم مقام پیش از همه مرد سیاست و عمل است و نویسندگی او نیز به ایجاب ضرورت کار بوده، نه از راه تفنن یا هنرنمایی - او نوشته های خود را غالباً سر سری و با عجله انشاء می کرده و قلم می زده است و با اینهمه منشآت او از ذوق و حسن سلیقه مایه و افر دارد -<sup>۱۵</sup>

قائم مقام به مقدار زیادی از عبارات متکلف و متصنع و مضامین پیچیده و تشبیهات بار دو نابجا کاسته و تا اندازه ای انشائی خود را - ”مخصوصاً در مراسلات خصوصی -“ به سادگی و گفتار طبیعی نزدیک ساخته است - نثر او بر خلاف اسلاف وی که پر از جمله ها و عبارتهای طویل و قرینه سازیها سی مکرر و سجعهای خسته کننده است، از جمله های کوتاه ترکیب شده قرینه های به ندرت تکرار می شود -

نامه است که به زن جان مکد نالد<sup>۱۶</sup> و خواهر سر جان

ملکم کے معروف نوشتہ و سادہ ترین نامہای است کہ از قائم مقام در دستداریم - نویسنده ظاہراً سعی کرده است کہ نامہ را ہر چہ سادہ تر بنویسد تا مخاطب، کہ اثنای کمی بہ زبان فارسی داشتہ، مطلب را بہ خوبی درک کند - این نامہ تاریخ ندارد ولی پیدا است کہ بعد از سال ۱۸۲۶ م و پیش از سال ۱۸۳۵ م نوشتہ شدہ است -

”علیاً جاہ صدارت دستگاہ عصمت و عفت ہمراہ، خواہر خجستہ اختر مہربان، بی بی صاحب، امید از رافت و رحمت خداوند یگانہ دارم کہ ہر جا با شید بہ خوش وقتی و کامیابی بگذارنید - از رفتن شما بسیار ملالت و دلتنگی دارم، بہ این سبب کہ دوست حقیقی من، ایلچی بزرگ دولت دایم القرار انگایس، تنہا مانده است و سخت اندیشہ ناکم کہ از الم تنہای و مفارقت شما خدا نخواستہ بر نہ خوش بگذرد، از آب و هوای این مملکت دلگیر شود حق این است کہ ہر گزرافی بہ رفتن شما نبودیم - از اندیشہ اینکہ حب وطن بر شما غالب باشد و معنی کہ بکنیم بر خاطر شما ناگوار آید، سکوت کردیم - حالا بحمد اللہ بہ ممالک انگلند، اس کا تلند، کہ موطن اصلی و ممکن مسالوف شما است، رسیدہ اید این و آنچه اینجا بر شما بد گذشتہ بود تلافی آن را از خالی بودن جای شما در این مملکت اظہار کنم، ثانیاً مبارکباد دو

تهنیت ورود شما را به خانه و ولایت خودتان بنویسم، ثالثاً از احوال خجسته مآل شما جو یا شوم و بعد از این سه مطلب به شما اعلام می شود که هر چند فرق و تفادت آن مملکتها ی با این ولایت بسیار است و هر کس آنجا را دیده باشد پرگز میل و رغبت نمی کند که در چنین جا با زندگانی کند، لیکن در راه دوستی و خواهری و مهربانی ممکن است که راضی به بد گذراندن اینجا توان شد - بر شما معلوم است که اهل این مملکت منتها ی انس به وجود جناب جلالت نصاب ایلچی صاحب گرفته اند و شایه شاه اعظم و نواب ولیعهد به کرات او را آزموده اند و بسیار سخت است که از مثل او نیک خواهی بگذراند و در این صورت ماندن جناب **مشارالیه** در این مملکت جی حضور آن خواهر مهربان دشوار خواهد شد، چرا که غیر شما اهل و عیال و پرستار ندارد و از شما مکن نیست که قطع نظر نماید - توقع از محبتها ی خواهرانه شما دارم که جواب این کاغذ را زود تر بفرستید و احوال نوشته ام، فکری خوب بکنید و هر طوری رایی شما قرار گرفت، اعلام نماید - امید ما آن است که به فضل خدا طوری قرار بدهید که مایه خورسندی و شادکامی ما با همه باشد - الیاقی ایام خجسته فرجام به کام باد والسلام قائم مقام دولت علیه ایران ابوالقاسم الحسینی - ۱۷

درمیان ساده نویسان سدهٔ سیزدهم هجری نام  
میرزاد جعفر حقایق نگار را نیز باید یاد کرد- کار او بیشتر تاریخ  
نگاری است- کتاب به نام حقایق الاخبار نوشته است که سر-  
گذشت قاجاریان را تا زمان ناصر شاه در بردارد- در این کتاب  
سائستگی و اززندگی الدین امیر کبیر را یاد کرده و اور ابزرگ  
داشته است به همین دلیل نوشته اندمایه رنجش میرزا آقا خان  
نوری (صدر اعظم) گردیده و سر انجام به دستور ناصر الدین  
شاه این کتاب از میان مردم گرد آوری شده و از میان رفته است  
- گویا چند نسخهٔ چاپ شده این کتاب هنوز در کتابخانه خانوادگی  
یافته می شود -

میرزا حسن فسائی نیز نویسنده دانشمند و خوش  
عبارت بوده و کتابیدر تاریخ و جغرافیائی استان فارس به نام  
فارس نامه ناصری نوشته است این کتاب نثری دارد و برای  
آشنای با سرزمین پارس راهنمای سود مند است - فارسی نامهٔ  
میرزا حسن در پیمان زمان ناصر الدین شاه به چاپ رسیده است -

لسان الملك (محمد تقی سپهر) را نیز باید در شمار  
نویسندگان نثر سادهٔ روزگار ناصر الدین شاه آورد - اثر

برجسته سپهر کتاب معروف ناسخ التواریخ است که به دستور محمد شاه آغاز شد و در زمان ناصر الدین شاه پایان یافت - نثر او ساده است اما به خوبی نشان می دهد که نویسنده، ادبیات قدیم را خوانده از شیوه گذشتگان متأثر بوده است - کتابی هم به نام *براهین العجم* در فن قافیه تالیف کرده است -

رضاقلی خان هدایت نیز یکی از دوستداران نثر ساده است و در آثارش می بینیم که از آوردن واژه های سنگین و ناآشنا پرهیز می کند و مانند تاریخ نویسان قرنهای پیش معلومات لفظی خود را بر مغز خواننده نمی کوبد - کتاب مشهور به نام "مجمع الفصحاء" نوشته که سرگزشت شاعران دوره های مختلف ایران است - کتاب دیگر به نام "ریاض العارفین" در باره شاعران صوفی منش گرد آورده است -

دوره تاریخ روضته الصفا را با افزودن چند جلد کامل کرده و جالب این است که همه این آثار و کارهای دیگری که گرد آوری یا تصنیف کرده به کوشش خود او چاپ شده و در دسترس مردم آن روزگار آمده است - رضاقلی خان فرپنگ لفتی هم به نام انجمن اراء ناصری تالیف کرده که بر روی هم از واژه نامه های سودمند زبان پارسی است -



در قرن سیزدهم نویسنده خوش قلم دیگری را هم می  
شناسیم که کتاب الف لیلته و لیلته رابه فارسی روان و شیرینی  
ترجمه کرده و به چاپ رسا ینده است<sup>۹</sup> این مترجم میرزا  
عبدالطیف طسوجی است که بافتح علی شاه و محمد شاه و ناصر  
الدین شاه همزمان بوده - کتاب او را دوباره در زمانه ما به نام  
هزارویک شب به چاپ رسانیده اند -

نثر طسوجی روان و شیرین است و باموضوع آن که  
داستانهای سرگرم کننده است هما هنگی دارد - این چند تن  
نخستین مردانی هستند که نثر پارسی را به سوئی سادگی کشا نید نر  
و اگر چهره ابوالقاسم قاسم مقام در میان این گروه نمی  
درخشید می تو انیتیم بگوییم : بیشتر از اینها فقط نوشته های  
گذشتگان را ساده کردند -

در دوره ناصر الدین شاه کسان دیگری هم دست به قلم  
بردند و نوشته های ساده ای باموضوع تازه پدید آوردند و از این  
گروه دوم که تا نخستین سالهای قرن چهاردهم با آنها رو برو  
هستیم - یکی خود ناصر الدین شاه است - نثر ناصر الدین شاه  
سادگی دلنشینی دارد و مجموعاً مایه ادبی و ذوق شاعرانه این  
پادشاه را هم نشان می دهد - آنچه از او بر جامی مانده چند سفر

نامه است که در آنها خاطری سفرهای اروپا، عراق، خراسان  
ومازندران رانوشته و در میان آنها تکلفهای شایانه و پنهاندار  
سیاسی را کنار گذاشته است - این نمونه شرح يك برنامه تیاترو  
سرگرمی است :-

.....پرده بالا رفت - قدری مردوزن به زبان  
فرانسه گفتگو کردند - بازی عشق و عاشقی و غیره در آورند - بعد  
حقه باز غریبی آمد - مردی بود جوان کوتاه قد زن خوش گلی هم  
دارد! اسم حقه باز کا زنو - حقه بازیهای غریبی در آورد که آدم  
حیرت می کرد، از جمله: ساعتی مردم را از بغلشان درمی آورد  
، بدون این که ابد دستی به کوکش بزند یا بخواباند مثلاً در همه  
ساعتها سه از شب رفته بود - بازی کرد می نمود: در ساعتی  
چهار از شب رفته بود و دیگری هشت، دیگری دوساعت -

قفل بزرگی را باز کرده و قفل نموده داد به معتمد الملك که  
در حجره نزدیک به او نشسته بود - معتمدا لملك خودش قفل  
کرده زور زد، باز نشد - قفل را توی چوبی کرده دوسر آن را  
داد دست مردم - بعد به معتمد الملك گفت تا چند عدد می خواهی  
بشمارم قفل باز شود؟ معتمد الملك گفت: دوازده - حقه بازیکی  
یکی شمرد - سر دوازده که شد گفت: قفل! باز شو - یکبار قفل

باز شد.....“

از کسانی که همزمان با پادشاهی ناصرالدین شاه قلم را راه دگرگونی فکر جامعه ایرانی به گردش آواره ده اندمیرزا فتح علی آخوندزاده است - در پنگای که هنوز جوان بود به دلیل آشنایی وسیع با علوم اسلامی و تاریخی ادیان و تمدن متوجه شد که در جامعه ایران حکومت و جمعی از روحانیان در کنار هم، مانع روشنی ذهن مردم اند و از این رودست به نوشتن کتابها و رساله های زد که خشم او را در برابر آنها نشان می داد -

نخست به نوشتن نمایشنامه های پرداخت که بیشتر تقلیدی از کارهای مولیر فرانسوی بود به زبان ترکی - این نمایشنامه ها اولین نمایشنامه هایی هستند که یک ایرانی آنها را نوشته است بعد از حدود سال ۱۲۹۰ هـ ق - میرزا جعفر قراچه داغی آنها را از زبان ترکی به زبان فارسی ترجمه کرد -

آخوندزاده در نامه های کمال الدوله، خواب شگفت درامها داستان ستارگان فریب خورده و نوشته های دیگرش سخنهای گفته است که در آن روزگار در ایران قاچاری و روسیه تزاری گفتنش آسان نبود ولی با این که این مرد در خدمت دولت روس و تابع حکومت تزاری بود دلیرانه حرفش را می زد و هر که

را مانع رشد اجتماعی و فکری می دید سرزنش می کرد و به او می تاخت - نویسندگان مانند میرزا آقا خان کرمانی، طالبوف و زین العابدین مراغه ای نیز از نوشته های او بیش و کم الهام گرفته اند -

عبدالرحیم معروف به طالبوف در سال ۱۲۵۰ هـ ق در شهر تبریز به دنیا آمد "طالبوف" شهرت مردی است که نامش عبدالرحیم و از مردم کوی سرخاب تبریز بوده و پدرش ابوطالب نجار نام داشته است - پسر رابدين سبب "ابوطالب زاده" و به تخفیف "طالب زاده" و به ترکیب زبان روسی "طالبوف" نامیده - اند - او شانزده ساله بود که رهسپار تفلیس و چندی پس از آن دغتان کارمندیك بنگاه پیمانکاری شد که صاحب آن از خاندان شیبانی کاشان بود و ارج دانش و هشیاری این مرد رامی شناخت - طالبوف در آنجا ماندگار شد و به همراه کار دفتری خود گامهای بلند در آموختن دانشهای تازه و نوشتن آن برای مردم برداشت و کتابهای ارزنده یی به فارسی ساده و روان نوشت که بسیاری از آنها نماینده نواندیشی و ابتکار و اطلاع وسیع از معارف انسانی است -

ملکم خان، زین العابدین مراغه ای، دهخدا درگسترش

نثر جدید سهم نمایانی داشتند، و مشخص ترین چهره در بین آنها "طالبوف" است که در کتاب "احمد" درباره همه مسایل اجتماعی-گناه به شیوه روسو سخن می گوید، و بین اوضاع اجتماعی ایران و اروپا مقایسه می کند-سران مشروطه و طالبزاده از اهمیت کار خود چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه ادبی آگاه بودند، و خود طالبوف می دانست که از بنیاد گزاران نثر ساده پارسی است و در این باره می نویسد: "از برکت کثرت مطالعه و زور مداوت بعضی آثار مختصر به یادگار گذاشتم که اخلاف بنده تکمیل کرده بنده را مهندس انشاء جدید بدانند---" <sup>۲۲</sup>

کتابهای او <sup>۲۳</sup> علمی، داستانی، تاریخی است

مانند: پند نامه مارکوس، نخبه سپهری، سفینه طالبی، کتاب فیزیک، رساله هئیت مسالك المحسنين و مسائل الحیات که در تفلیس و اسلامبول به چاپ می رسید و در ایران پراکنده می شد، و دلها را بیدار می کرد و ناچار ارتجاع به جلوگیری از بخش آنها می کوشید-طالبوف می کوشید اندیشه های علمی و سیاسی جدید در ایران رواج دهد ولی با این همه به مردم کشور خود دوری از تقلید کورکورانه را اندرزمی گوید: "از هیچ ملت جز علم

و صنعت و معلومات مفید چیزی قبول نکى- تقلید نمائی، یعنی در همه جا و همیشه ایرانی باشی و از برکت علم و معاشرت ملل خارجه بفهمی، حالی شوی که مسرق زمین غیر از مغرب زمین است- از آنها جز نظام ملك چیزی استفاده نکنى، مبادا شعشۀ ظاہری آنها ترا بفریبد، مبادا تمدن مصنوعی (یا وحشت واقعی آنها) ترا پسند افتد-“ ۱۴

طالبوف برای فهماندن اندیشه های خود به مردم ساده به نثر بی پیرایه می گرییدند، و گاه در نوشته های خود شعر های ساده شاعران گذشته و مثل های عامیانه را راه می دادند، نوشته های آنها گاه آمیزه ای بود از آیه ها، حدیث ها و حبر های دینی و شعر و سخن نغز و مثل زبان مردم و نثر روزنامه ای- بنا بر این دو عامل مهم دگرگونی نثر پارسی معاصر عبارت بود از:

الف- دگرگونی های اجتماعی و سیاسی

ب- آشنا سی بانویسندگان و اندیشه وران غرب-

نویسندگان و شاعران مشروطه روی سخن با مردم کوچه و بازار داشتند، و از این جهت نمی خواستند مانند نویسندۀ ”تاریخ و صاف“ چیز نو یسند، و از سوی دیگر آنها خود از مردم بودند و یادر فکر روشنی اندیشه هم میهنان خود، با دردها و رنج های

مردم آشنائی داشتند از این روزبان ساده سخن می‌راندند و به پیروی از نویسندگان غرب به نوشتن مقاله، داستان، نمایشنامه، سفرنامه می‌پرداختند - در ایران نیز انقلاب مشروطیت خواست‌های بازرگان، پیشه‌وران و گاه روستائیان را منعکس می‌کرد، بنا براین پیشروان مشروطه برای رخنه در دژ استوار خان‌خانه مبارزه انقلابی را با نبرد ادبی همراه کردند و با بهره‌بردن از اصطلاح‌های جدید و زبان ساده فاصله بین مردم و ادب رسمی را در نوشته‌های خود کاهش می‌دادند - ۱۵

به نظر من چند کتابهای طالبوف خیلی مهمی است چند سطر درباره آن در زیر خواهم بیان بکنم - کتاب احمد یاسفینه طالبی بیش از نوشته‌های دیگر او سر زبان‌ها افتاده و خواننده داشته است - هر بخش کتاب را یک "صحبت" نامیده و در هر صحبت گفتگویی را بر سر یک موضوع علمی و اجتماعی پیش کشیده است - "احمد" که این کتاب به نام او نامیده شده یک قهرمانی خیالی است که طالبوف خود را پدرو مری او خوانده و برای هدایتش این نوشته است - طرح کتاب احمد با امیل اثر ژان ژاک روسو ۱۷۵۵ هم‌اند دارد زیرا روسو نیز امیل را برای بیان اندیشه‌های پرورشی خود وسیله قرار داده است - طالبوف در این کتاب اینطور آغازی کند:

”پسر من احمد هفت سال دارد- روز دوشنبه اول ماه  
ذالحجه متولد شده- طفل با ادب و بازیدوست و مهربانی است- با  
صفر سن، همیشه صحبت بزرگان و مجالت مردان را طالب است  
- از برادرانش اسدو محمود و از خواهرانش زینت و  
ماهرخ، اسدوماه رخ را که هر دو از وی کوچکترند، زیادوست می  
دارد- استعداد و هوش غریبی از وی مشاهده می شود- هر چه  
بپرسی، سنجیده جواب می دهد- سخن را آرام می گوید- آنچه را  
نفهمدم کز سؤال می کند- بسیار مضحك است- کم می  
خندد و بهانه جزئی کافی است که نیم ساعت  
بگیرد.....

من در این کتابچه، آنچه را تا روز رختن روبه مکتب  
از وی دیده و خواهم شنید، همه را- بی ترتیب خواهم نوشت  
و آنچه از من پرسیده جواب شنیده- به قدری که سهولت کنجایش  
در فهم اطفال داشته باشد- به رشته تحریر خواهم کشید و آنها  
را در ذیل چند صحبت مندرج خواهم نمود- ک

طالبوف در این صحبت ها از تاریخ، دین، علوم،  
صنایع، آموزش و پرورش و دیگر پدیده های زندگی سخن می  
گوید و به سادگی بیان می کند- در همین کتابك جای دیگر اینطور



صحبت می کند:-

آقا احمد امروز صبح آمد - چند کاغذ و سوزن و نخ آورده ، بعد از تعارف معتاد گذاشت پیش من ، خواهش نمود که برای او دفتر چه ای بدوزم - گفتم : می خواهی چه بکنی ؟ یقین حساب گریه هایت را خواهش نوشت یا شماره سنگهای خود را که برای بازی انبار کرده ای ثبت خواهی نمود ! یا صورت ماهرخ و میرزا نصیر حکیم را خواهی کشید ! گفتم : من حالا به گریه خود تخفیف داده ام - سنگ های خود را هم الان ثمرده به ماهرخ سپرده ام چهل و دو دانه است - دو سنگ سفید مثل برف و یک سنگ سیاه شفاف محمود به من بخشیده که غیر از شما به هیچ کس نمی دهم - دفتر چه را می خواهم که با محمود به مکتب بروم - بدهم معلم محمود به من (!) الفبا بنویسد گفتم : نور چشم من برای تو تعلیم هنوز زود است اگر آخوند معلم محمود مثل معلم سایر مکاتب داده بود دستگاه تعلیم ما مثل دستگاه تعلیم ملل متمدن می بود الغیبای ما اقلأ سهولت الفبای سایرین را می داشت ، راضی می شدم که تو به مکتب بروی ..... ۱۸

این همه ساده نویسی قرن نوزدهم و بیستم میلادی

گواهی می دهند -

زین العابدین مراغه ای يك بازرگانزاده آذر بايجانی بود که در سال ۱۲۵۵ هـ ق به جهان گشود - مراغه ای می خواهد که مردم ایران از خواب غفلت بیدار بکند و برای این کار او زبان مردم عام را استعمال کرد یعنی زبان ساده و به یاد آوری او موجب می کند کتاب بر جسته ای است به نام "سیاحت نامه ابراهیم بیگ" یا "بلای تعصب" او و این ابراهیم قهرمانی است خیالی، که مانند زین العابدین مراغه ای يك بازرگانزاده ایرانی است - در مصر زندگی می کند و به ملیت ایرانی خود دلبستگی پایداری دارد - این مرد بالله اش از مصر به راه عثمانی می افتد تا به ایران بیاید و مرقد امام رضا را زیارت کند و میهن خود را پس از سالیانی باز بیند - در جله دوم این سیاحت نامه، ابراهیم بیگ دوباره رهسپار مصر می شود و از رنج دیدن نابسامان های ایران بیماری شود و می میرد و در جلد سوم لله اش یوسف عمو او را یا ایرنیاں دیگر را در آن جهان به خواب می بیند و در شرح این رؤیاست که نویسنده بر روایات مذهبی نیز نقدی می نویسد -

وقتی سیاحت نامه ابراهیم بیگ را می خوانیم خوب می بینیم که نویسنده اش چشم و گوش باز داشته و در پشت آن دلی پر خون و غمگین، و آرزوهای بزرگ و شیرین برای ملتی که

ستم زده حکومت قاجاریان بود- بیباکی و صراحت او در بیان آنچه از نابسامانیهای می دانسته و طرح رمان گونه کتاب همه از وجود ذهنی جویا و اندیشه های بلند و هوشی سرشار حکایت می کند- ارزش سیاسی و اجتماعی داستان بیش از ارزش هنری آن است و در واقع به ضرورت زمان، این کتاب هنر را در خدمت بیداری مردم و هدایت جریانهای سیاسی روز قرار داده است- در نثر او واژه‌ها ترکی و روسی هست و درست زبان ایرانی است که در نقاطی چون قفقاز آن روز می زیستند و همان نشانه‌های را دارد که در کتابهای طالبوف می بینیم :

.....ابداً نظر همت عمومی به سوی اصلاح امور

وطن معطوف نیست- هر کس از بزرگ و کوچک و غنی و فقیر و عالم و جاهل منفرداً خر خود را می چرانند- هیچ کس را پروای دیگری نیست- احدی از منافع مشترکهٔ وطن و ابنای وطن سخن نمی گوید- گوی نه این وطن از ایشان است و نه با همدیگر هموطنند-

اما چیزی که اسباب دلخوشی گشت دیده شدن مردمان نظامی در کوچه و بازار طهران است- تا اینجا در ایران کسی را ندیده بودیم که لباس نظامی در برداشته باشد- لشکریان سواده

و تو پچیان ، حتی تلگرافچیان لباس مخصوص نظامی دارند،  
خصوصاً صاحب منعبان قزاق و نفرات آن که لباسشان  
بی کم و زیاد چون قزاقان روس است - ولی می گویند اینان  
عبارت از يك فوج اند - باری عصر تنگی بود - به یوسف عمو گفتم  
که باید به جای موعود رفت باهم رفتیم تا رسیدیم دم در حاجی  
خان - در زدیم - حاجی خان خود پشت در آمده ، گفت بفرمایید  
- من دوبار سلام دادم - گفت سلام دوباره چرا ؟ گفتم یکی هم  
قضای سلام دیروزی بود که من از دیدن شما به ناگهان خود را  
گم کرده سلام را فراموش نمودم - خندید - رفتیم بالا ، اما یوسف  
عمو نیز مانند حالت دیروزی من خود را باخته متفکر بود تا  
اینکه بالا خره به گوش من گفت

”این شخص ملا محمد علی نیست که در فلان تاریخ در  
مصعر مهمان ما شد؟“ - ”گفتم“ آری فرهمان خراست ولی پالانش  
عوض شده“ - خودش هم شنید ، بسیا اخندید - از یوسف عمو  
احوالپرسی نموده گفت ”او..... او..... او..... او سفا آقا ، هیچ  
عوض نه شده اید ، هم..... هم..... همان او سفا آقا هستید  
که بودید -“

باری نشستیم - چایی آوردند خوردیم - حاجی خان

گفت: ”خو.....خو...خوب، حالا بگو، یم- از کجا می آید و به کجا می روید؟ شما کجا؟ طهران کجا؟“ گفتم: ”من لا بد به تفصیل حالات خود را نقل خواهم نمود اما شما اول بگو- پید که این چه عالم است؟ تو کجا؟ خانی کجا؟“ گفتم: ”سرگذشت من دراز است، اما مختصری کنم پس از برگشتن از مکه مکرمه وارد تفلیس شده، دوسه سال بدهمان منوال که دیده بودید لا ابالی ولا مکان زندگی می کردم- ولی به هر نحو که بود دوست ساعد منات سرمایه توکل به چنگ آورده بودم- اما همیشه خیال می کردم که اگر خود را به یک وسیله به طهران برسانم- کارم بسیار خوب می شود- زیرا که از وضع بزرگان ایران که گاهی می دیدم یقین حاصل کرده بودم که به صحبت چون من یا وه درامی میل مفرط خواهند داشت- من در این خیال بودم که بخت هم به رویم خندید- شنیدم یکی از پرستاران حرم سرای شاهی که به عزم معالجه در فرنگستان بود، عازم ایران است- من هم وابسطه تراشیده خود را در جرگه خدام معیت او داخل کردم- تا شهر رشت دل کشان او را به خود مفتون ساخته از رشتتا طهران نیز به پمان منوال رفتار نموده خود را در انظار مردم از معتبرین معیت او قلم می دادم- در اثنای راه هر کس که به استقبال موکب آن مخدره می آمد من هم در کمال استغنا رفته دعوت هر کس

راکه قبول می کردم ضمناً منت بارش می نمودم - تا اینکه به طهران رسیدیم - در اندک زمانی به مجلسهای بزرگ راه یافتیم - در همه جا صحبتیم گرفت و بازارم گرم شد - دیدم که به مناسبت فارسی ندانستن - که بلغور می کردم - خیلی خوشنشان می آید - من نیز عمداً به مزاج آنها را رفتم من نیز عمداً به مزاج آنها راه رفتم که آن نیز مزه دیگر داشت - آخر الا مر به مجلس صدراعظم نیز راه یافتیم - از صحبت من بسیار مشعوف شدند - فردای آن روز به يك قطعه نشان شیرو خورشید به انضمام لقب خافی سرافر ازم فرمودند<sup>۱۹</sup>

در سال ۱۳۲۳/۱۹۰۵ متن فارسی حاجی بابا پس از متن انگلیسی آن توسط جیمز موریه در کلکته منتشر شد - چاپ فارسی آن معیاری برای نویسندگی نوین به زبان مردی گردید - در این اثر گویش محلی با تمامی زیبای و کشمکش زبان محاوره ای فارسی بکار گرفته شده بود - این کتاب یکی از مهمترین یا دبود - های سبک نوین نثر فارسی بشمار می رود -

شیخ احمد روحی یکی از نویسندگان دانشمند دوره ناصری است که نثری متن و شیرین داشته شعر هم می گفته است - این نویسنده در ساده نویسی بسیار کارهای خوب انجام داده است - روحی در یکی از نامه های که به مادرش نوشته ، از این ماجرا سخن

گفته است :-

مادر مهربان من ، قریانت شوم ، امید است مزاج بهاج  
آن مخدوه قرین صحبت و سلامت باشد - دو مکتوب شما از  
کرمان به توسط شیخ اخوی از اسلامبول این هفته رسید - بسیار  
خرم شدم - شرح حالم را بخواید طولانی است - مختصرش  
این است که چهار ماه است گرفتار دو پادشاه اسلام ، به واسطه  
خدمت بزرگی که در اتحاد ملل اسلامیة نمودم با جمعی دیگر از  
مردمان متدین عاقل -

چندی قبل یعنی دو سال قبل خوندگام روم ۲۰ از جناب سید  
جمال الدین افغانی - که خیلی مقرب و دوستش بود - خواهش نمود  
که هر گاه بتوانید که ملل اسلامیة را به یک اتحاد سیاسی دعوت نما  
بید که اگر سایه ملل عیسویہ بر خیزند هر چه مسلمان در روی زمین  
است با هم متحد باشند - و ما با جمعی مردمان دانا و آگاه نوشتجات  
بسیار اول به علمای بغداد نوشتیم و آنان هم در نهایت امتنان قبول  
نمودند و عرایض در این باب به سلطان عثمانی نوشته ، از طرف  
سلطان هم بدین شان هدیه و اکرامها شد ..... خبر این اتحاد به  
سلطان ایران (ناصر الدین شاه) رسید ، از جهالتش خیال نمود! مبادا  
علمای ایران به سلطان عثمانی روی آورده فردا برضد من بر خیزند!

به سفیرش در اسلامبول نوشت و تلگراف نمود که: هر قسم که ممکن است اینان را نفی و طرد نما، و سفیر بی تدبیر هم در این موقع که تغییر صدارت و نظارت اینجا شده و دولت مشغول مسئله ارامنه بود، به مابین رفته اظهار داشته بود که: سه چهار نفر از اهالی ایران که مفسد و دشمن دولت و ملت هستند در اینجا یندشما آنان را تسلیم مانمودند، ما هم در عوض ارا منه ای را که به خاک ایران رفته اند به شما تسلیم می نمایم - سلطان هم نشناخته ما را تسلیم کرد، یعنی بنده و سرکار خان<sup>۲۱</sup> و جناب حاجی میرزا حسن خان<sup>۲۲</sup> ژنرال فنسول سابق اسلامبول را روانه طرابزون نمودند که از اینجا به ایران نبرند.....<sup>۲۳</sup>

میرزا ملکم خان در سال ۱۲۴۹ هـ ق در خانواده سنگتراشی به نام یعقوب به دنیا آمد - زندگی میرزا ملکم خان سراسر با اسرار آمیخته است. ناظم الاسلام کرمانی او را بیدار کننده ایران و از رهبران نهضت آزادی می نامد و درباره او گوید "مقام پرنس ملکم خان در ایران همان مقام ولتر و ژان ژاک روسو و ویکتور هوگو است در ملت فرانسه"<sup>۲۴</sup> و ظل السلطان ملکم خان را، که معلم زبان فرانسه اش بود، "فیلسوف و معلم اول و مثل ارسطو طالیس و افلاطون آن روز



وبلکه از آنها برتر ۲۵ می شمارد. مسترو یلفرید بلنت ۲۶ء که در  
زوئن سال ۱۸۸۰ میلادی ملکم خان را ملاقات کرده، او را  
از آگاه ترین مردان شرق می خواند که در ایران سی هزار نفریه او  
ایمان دارند. ولی کسانی هم از جمله محمد حسن خان اعتماد السطنه  
او را "جا سوس و طماع و پوپرست و حقه باز و نادان و شارلات می  
نامند...

او در روزنامه قانون و رسالات فراوان خود مانند اصول  
آدمیت، ندامی عدالت، توفیق امانت، حجت، مفتاح، کلمات منخلیه  
، کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات، رفیق و وزیر، نوح و یقظه، اصول  
ترقی، مذهب دیوانیان، انشاء الله و ما شاء الله، شیخ و وزیر، فرقه  
کنجیان، کتابچه پلیتیک و در آخر ملکم خان را ملاقات کرده، او را از  
در گذارش ها و نامه های رسمی و غیر رسمی متعدد خود به دولت  
ورجال ایران، منعکس کرده است -

اما درباره انشاء ملکم خان و سبک نویسنده او باید  
تکرار کنیم که وی از همان آغاز کار، ترجمه دروس آموزگاران  
خارجی دارالفنون را از فرانسه به فارسی و هم ترجمانی دستگاه  
صدارت و دربار شاهی را به عهده داشت - می خواهیم يك نمونه ای  
از نوشته های ملکم خان را در زیر بیان می کنم:

”.....رفیقم مرا بردمیان چند فرقه غریبه که ہم از طائفه

کج بینان بود ندو لیکن هر کدامی به يك نوع دیوانگی اختصاص داشتند- بعضی می خواستند امراض ابدان را با احکام مستحصله رفع کنند، بعضی مدتها خود را معطل می ساختند که از اختران کواکب سر نوشت مردم را معلوم نمایند جمعی هم معتقد بر این بودند که زبان نه- برای ادای مطلب است، بلکه برای ترتیب سجع و به جهت تضييع وقت اختراع شده است-“ ۲۶

حاجی میرزا علی امین الدوله نیز باید یاد بکنم که نام اورادر شمار ساده نویسان نو اندیش باز گویم- از او یاد داشته هاو سفر نامه های داریم که علاوه برداشتن مطالب شیرین و تازه، نثری خوش آیند دارد- دريك سفر نامه که بایک دو شیزه اروپای در کشتی با او و یا رانش همسفر شده بدین گونه یاد می کند-

”ما نیز هم رنگ جماعت شدیم و به صحبت سعدالممالک مشغول، که از در ماد موازل و اردشدو بامردی مشن قوی بینه- که عینک دارد و سیمای مطبوعی ندارد و باسگار خود در کنار درب این اتاق ایستاده- در آمیخت- سیاق رفتار او معلوم می کرد که این، مرد باید پدرش باشد، و بر پدرش لعنت که این لعنت زیبا و خلق بهشتی چگونه به مردی بدقیافه و دور از مردی منسوب تواند شد؟ چم و دل

البته در میان جمع به افرینش خوب وضع مرغوب خدای می رود-  
من نیم بر آنم که همه خلق بر آند.....الامان که چه موزون و دلفریب  
است-واگر ساعتی دقیق شوید و از دید مجد الملك بنگرید بی آنکه  
فتو گرافی از او در دست باشد شما پلش را توانید دیده بدی از عاج یا  
مرمر به دست استاد ازل پرداخته شده، گردن به اندازه بلند، دو بازو  
بلند به اعتدال دو شاخ طوبی و بی هیچ لا غری باریک و ظریف  
، دستها که گویی از چینی سفید ساخته اند بی سخن مانند در  
شمین، انگشتها باریک و بلند.....

سخن نام بگفتیم و همچنان باقی است

حکایت لب شیرین و چشم فتانش

.....چشمها درشت است و مخمور نیست، سیاه نیست

و مقبول هست، به اصطلاح عصر میشی و از چشم آهوی ختن

دلاویز تر.....“ ۲۸

میرزا آقا خان کرمانی پرکارترین و درخشنده ترین چهره

ادبی و اجتماعی عصر ناصری است-کارهای قلمی رو جالب و گاه

ستایش انگیز است-نوشته او کم نیست اما دست نویس همه آنها

بر جای نمانده و آنچه مانده بیشتر به چاپ نرسیده است نشرش دو

گونه است: درنوشته های تاریخی و تحقیق به شیوه استوار دبیران

قلم زده است - امادر آنجا که سخن از سیاست و میهن دوستی و بیدار کردن مردم است، شیوه اش سادگی و بی پیرایگی گفتگوی روزانه را دارد -

”دهخدا“ یعنی بزرگ ده یا به قول ما ”کدخدا“ در لهجه قدیم قزوین این واژه به صورت ”ده خوا“ به کار رفته و با گذشتن زمان به واژه ”دخو“ تبدیل شده و نویسندگی که از او گفتگومی کنیم در نوشته های انتقادیش خود را ”دخو“ نامیده است - او در حدود سال ۱۲۹۵ ق به دنیا آمد - نثر دهخدا در دو گونه است - در نوشته های سیاسی و اجتماعی با مردم به زبان خودشان گفتگومی کند، اصطلاحات خودشان را می آورد به مثلها ی خودشان اشاره می کند و از کسانی حرف می زند که مردم آن روز آنها را خوب می شناخته اند و در دهای را می گوید که همه می خواهد بگویند - اما آنجا که دهخدا ”لغت نامه“ می نویسد و میوه تحقیقات خود را به بازار می آورد، زبانش زبان نویسندگان خراسان قدیم است و در کار او شیوه یک نویسنده روزگار سامانی باغزنوی را می بینیم که با همه سادگی برای خواننده چرند و پرند نا آشناست - او بسیار کتابها را نوشت و هم می خواست که زبان فهم مردم عامه را استعمال می کرد -

اگر هم دهخدا این راه را در آغاز به تقلید پیش گرفته باشد

در کار خود چنان استاد شده که بی گمان از سر آمدن این شیوه در مشرق زمین است - در این سالها مجموعه "چرند و پرند" یکجا در کتابی با همین عنوان انتشار یافته و پیش از این شادروان استاد سعید نفیسی در کتاب شاپکارهای نثر فارسی معاصر آن را گرد آورده است - نوشته زیر قسمتی از چرند و پرند است که در آن دخوبا قهر مانان دیگرش يك جلسه تشکیل می دهد - موضوع گفتگوی آنها را بهتر است با خوانندگان آن دریا بید:

"انجمن موقتی در اداره صور اسرافیل روز یکشنبه پا نهم تشکیل شد - ناچار مشترکین عظام می خواهند اعضای انجمن را بشناسند - بله ، بنده که بنده ام - ایشان هم که معروف خدمت همه آقایان می باشند - این هم که ..... بله - ایشان هم که ..... خیر - ایشان هم که مستغنی از معرفی بنده هستند - او هم که اه اه - بله ، خیر ، سایرین هم که خودتان معرفت کامل در حقشان دارید -

جناب سگ حسن دله خلاصه مذاکرات انجمن قبل را قرأت کردند - جناب فرمگس : به عقیده من این قبیل اشخاص خونشان حلال و مالشان مباح است - چه ضرر دارد بگیرد و بخواید يك آب هم بالاش!؟

از این رو معلوم می‌شده که دهخدا هم این شیوه ساده نویسی را دوست داشت و برای مردم عامه بسیار چیزها را نوشت-  
يك شیوه نو که جمالزاده این را در ایران پیدا کرد آن داستان کوتاه نویسی است- این هم برای مردم عامه را نوشت  
جمالزاده فرزند سید جمال الدین اصفهانی، در سال ۱۲۷۴ هـ ش در اصفهان به جهان گشود- این يك شیوه که قبل پیدا شده یعنی ساده نویسی را گرفت و همه داستان خود در زبان مردم عامه نوشت -  
یکی از نشانه‌های ویژه جمالزاده در میان داستان نویسان ایران، آگاهی فراوان او از ادبیات گذشته و معارف اسلامی است و این آگاهی در پروراندن مضامین طنز آمیز به او یاری می‌کند و شیرینی سخنش را می‌افزاید- در نوشته‌های او نثری آشنا و دلنشین بینیم که با اصطلاحات مذهبی و اشاره به اعتقادات و روایات اسلامی در آمیخته و گاه، مثلاً در کتاب صحرای محشر، این آمیزش چنان است که خواننده برای دریافت معنی نیاز مند آشنای به حدیثها و آیه‌های قرآن می‌شود و اگر مایه کافی از زبان عرب و معلومات اسلامی نداشته باشد به دشواری برمی‌خورد- در داستان کوتاه "فارسی شکر است" که گویا نخستین نوشته طنز آمیز او است، نوشته است-

”یاوری تازه وارد پس از آن که دید از آه و ناله و غوره  
 چکاندن دردی سفانمی یا بد چشمها را با دامن قبای چرکین پاک کرد  
 و در ضمن هم فهمیده بود قراولی، کسی پشت در نیست، یک طوما راز  
 آن فحشهای آب نکشیده که مانند خریزه گرگاب تنباکوی حکان  
 مخصوص خاک ایران خود مان است نذر جدو آباء این و آن کرد  
 .....نگاهی به صحن مجس انداخت و معلومش شد که تنها نیست  
 -من که فرنگی بودم و کاری بامن ساخته نبود- از فرنگی مأب هم  
 چشمش آبی نخورد- و این بود که پابر چین به طرف آقا شیخ رفته و  
 پس از آن که مدتی نگاه خورد را زول زول به او دوخت با صدایی  
 لرزان گفت: جناب شیخ تورا به حضرت عباس گناه من چیست؟ آدم  
 والله خودش را بکشد از ظلم مردم آسوده شود!

به شنیدن این کلمات مندیله جناب شیخ مانند تکه ابری به  
 حرکت آمد و از لای آن یک جفت چشمی نمودار گردید که نگاه ضعیفی  
 به کلاه نمدی انداخته، از منفذ صوفی که بایستی در زیر آن چشمها  
 باشد و دوست دیده نمی شد با قرائت و طمانینه تمام کلمات ذیل  
 آپسته و شمرده مسموع سمع حضار گردید: مومن عنان نقش  
 عاصی قاصر رابه دست قهر و غصب مده که الکاظمین الغیظ  
 والعافین عن الناس..... ۲۹

در این زمان بسیار نویسندگان و شاعران و روشنفکران بودند که این شیوه ساده نویسی را به کار آوردند در آن من میخوامم که درباره چند که در آنها خیلی مهمی هستند ذکر خواهم کرد - مانند صادق هدایت، جلال آل احمد، صادق چوبک، حاجبی، علی دشتی، بزرگ علوی و مسعود دیهاتی -

صادق هدایت یکی از برجسته ترین نثر نویسندگان قرن بیستم میلادی در ایران بوده - او به روز ۲۸ بهمن ۱۲۸۱ هـ ش به دنیا آمد - این مردی همیشه درباره مردم دلتنگ فکرمی کرد - و زیادتر درباره آنها نوشت و از این رواومی خواشت که درباره این چیزی زبان مردمی را استعمال کردیم اینطور می نوشت - چند آثار او که خیلی مشهور است اینجا نام ببرم مانند 'زنده بگور'، 'بوف کور'، 'سه قطره خون' و دیگرها -

جلال آل احمد در سال ۱۳۲۴ هـ ش در مجله سخن نوشته ای با عنوان "زیارت" چاپ شد و سر زبانها افتاد - نثر جلال آل احمد ساده و دلنشین است، با مردم به زبان خودشان حرف می زند و گاه چنان به سادگی مقصود را بیان می کند که عبارتش مانند گفتگو های روزانه دریم می شکند و تنها به کمک آهنگی به جمله های توان درد آغاز و انجام جمله پیدا می شود - از نوشته داستانی جلال آل احمد



کتابهای ”دید و بازدید“ ”از رنجی که می بریم“ ”زن زیادی“ ”سه  
تار“ ”سرگزشت کندوها“ ”مدیر مدرسه“ به چاپ رسیده است۔  
من این بحث را اینجا ختم می کنم۔ حالا بسیار چیزها یعنی  
که بسیار نویسندگان باقی مانده که درباره آن زکر می توانم به کنم  
ولی من نمی خواهم که این بحث بسیار بلند شود۔ این همه  
نویسندگان و روشن فکران که در بالا زکر کرده ام در ترقی دادند این  
شیوه نو قرن نوزدهم و بیستم میلادی انجام خوب داده اند۔

## ضمیمه

- ۱- پسر شیخ مبارك و برادر فیضی دکنی شاعر معروف
- ۲- دکتر محمد استعلامی - بررسی ادبیات امروز ایران  
ص: ۴۹
- ۳- دکتر محمد استعلامی - بررسی ادبیات امروز ایران  
ص: ۵۰، این نامه را با حذف قسمت‌های کوتاه کردم تا نکات اصلی آن بر جای بماند
- ۴- ملك اشعراً بهار، سبک شناسی، جلد ۳، ص ۳۵۸
- ۵- یحیی آرین پور، از صبا تانیماء، ص ۶۵
- ۶- Mac donald نماینده انگلس در ایران که در تبریز می زیست و در سال ۱۸۳۰ م درگذشت
- ۷- Sir John Malcom سیاستمدار و مورخ انگلسی-
- ۸- یحیی آرین پور، از صبا تانیماء، ص ۷۰
- ۹- دکتر محمد استعلامی، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۵۳
- ۱۰- دکتر محمد استعلامی، بررسی ادبیات امروز

ایران، ص ۵۶

۱۱. Jean Jacques Rousseau نویسنده و متفکر

فرانسوی در قرن هجدهم میلادی

۱۲. نامه به میرزا یوسف اعتصام الملك مورخ ۱۶

رمضان ۱۳۱۴ هـ ق

۱۳. یعنی کتابهای طالبوف

۱۴. عبد الرحيم طالبوف ، مسالك المحسنين - ص ۱۹۴

۱۵. در پیش گفتار ”یکی بود یکی نه بود“ جمالزاده

ویژگی این گرایشها به تفصیل آمده است.

۱۶. Jean Jacques Rousseau نویسنده و متفکر

فرانسوی در قرن هجدهم میلادی

۱۷. دکتر محمد استعلامی، بررسی ادبیات امروز

ایران، ص ۸۱

۱۸. دکتر محمد استعلامی، بررسی ادبیات امروز

ایران، ص ۸۲

۱۹. رئیس احمد نعمانی، ترجمه ادبیات امروز ایران - ص

۵۲-۵۳

۲۰. خوندگار روم (خداوندگار روم) یعنی پادشاه

عثمانی

۲۱- یعنی میرزا آقا خان کرمانی

۲۲- خبیر الملک

۲۳- دکتر محمد استعلامی، بررسی ادبیات امروز

ایران، ص ۵۸-۵۷

۲۴- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایران-ص

۱۱۷

۲۵- تاریخ مسعودی- تاریخ بیداری

۲۶- Wilfrid blunt

۲۷- یحیی آرین پور، از صبا تا نیما-ص ۳۲۰

۲۸- دکتر محمد استعلامی، ادبیات امروز ایران-ص ۶۲

۲۹- دکتر محمد استعلامی، ادبیات امروز ایران-ص ۱۱۰

# فصل دوم

بررسی انتقادی درباره تأثیرات

خارجی بر زندگی اجتماعی و

فرهنگی ایران

سرزمین ایران اندکی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی اروپا را گرفته بود- ولی این تأثیرات ناگهانی يك دفعه نبود بلکه بتدریج ایرانیان زیر تاثیر فرهنگ اروپایی آمدند- این درست است که مأموران دین مسیحی - (Christian missionaries) مذهب خود را در ایران تبلیغ میکردند ولی توانستند که فقط يك گروه کوچکی از مسیحان را تحت تاثیر خود بگیرند- اما وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تحولات در علوم فن و فن سیاسی و اصطلاحات فنی عوامل اصلی بودند که سراسر ایران به طرف خود متوجه گرفتند- متخصصین فنون، هنرمندان، بازرگان و تاجران اروپایی، اولین کسانی بودند که با ایرانیان روابط ایجاد کردند- زمامداران و سیاستمداران کشور از نخستین دهه قرن نوزدهم میلادی به تحت نفوذ فرهنگ و پیشروهای مادی و آموزش و پرورش و حتی دانش آموزی می آمدند و نهضت فکری و غرب گرایي در توده مردم ایران آغاز گردید- اگر تاریخ پیشرفت جهان را مورد مطالعه قرار دهیم می بینیم که اروپا در قرن سیزدهم ه ق

یاد در قرن نوزدهم میلادی باشتابی شگفت آور پیشرفت کرد و کارخانه ها، پرنکده ها و دانشکده ها بیشتر از این رو ممالک جهان می خواستند که هر گونه رابطه به اروپا داشته باشند - آگاهی پیشرفت اروپا هم چنین جلب توجه کرده بود که شاهان قاجاریه را هم چنین جلب توجه کرده بود که شاهان قاجاریه را هم هوای فرنگی را به سرافتاد و از اینرو ناصر الدین شاه نخستین بار به سفر اروپا رفت این سفر اروپا ناصر الدین شاه را دوباره کشید که دوبار دیگر نیز به اروپا برود تا به چشم خود پیشرفت های مادی و علمی را مشاهده کند - او واقعاً می خواست که ایران هم چنین پیشرفت و تجدد را پیش بگیرد -

قبل از آن که ناصر الدین شاه اروپا را بازدید کند، عباس میرزا ۱۲۴۹-۱۲۰۳/۱۸۳۳-۱۷۸۸ م از پیشرفتهای که در اروپا قرا گرفته بود، آگاهی کامل بدست آورده بود - اوضاع دگرگونی اجتماعی و فرهنگی اروپا را خوب درک کرده بود - خوشبختانه او همکاری مثل قائم مقام فراهانی هم داشت - اگر عباس میرزا چند سال دیگر زنده مانده، کارهای مهمی در راه پیشرفت کشور انجام میداد - دکتر محمد استعلامی درباره عباس میرزا گفته است -

یهای پدرش (فتح علی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ق / ۱۸۳۴-  
۱۷۹۷م) او را برباد نمی داد کارهای بزرگ می کرد و نظامی  
پسندیده در جامعه ما پدید می آورد“ ۱

عباس میرزانخستین مردی بود که کوشش در راه  
بیداری و نوسازی و نوخواهی آغاز کرد-عباس میرزا در سال  
۱۲۱۴ق / ۱۸۶۰م فرمانروای آذربایجان مأمور گردید-همکار و  
مشاورش میرزا عیسی' فراهانی معروف به قائم مقام بزرگ  
بود-این دو مرد بزرگ که آگاهی با پیش رفت زمان داشت با  
یکدلی و دلسوزی کوششها نو اندیشی را شروع کردند-و هدف  
آنها، تهیه سپاه آراسته و منظم، پیاده کردن فرپنگ با تجدد  
وساختن اجتماع پیشرفت بود و تاحدی کامیابیهانیز بدست آورده  
بودند-

واقعه های در دوره عباس میرزا با صلاحیت اتفاق  
افتاد که او را به حرکت آورد-بطور مثال اشغال نظامی از دست  
ناپلئون در سال ۱۷۹۸م در نقشه های وی به تحت تسلط  
خود آوردن هندوستان به همراهی روسها، ایران را مورد توجه ابر  
قدرتهای بزرگ زمان کرده بود-این ابر قدرتهای بزرگ اروپا از  
حمله فرانسه، انگلیس و روسیه بودند-سرزمین ایران در راه نقش



های ایشان می آمد- سپس برای پریک از آنها لازم بود که ایران را تحت نفوذ خود بیاورند-

شکست های تأسف انگیز ایران در این دو جنگ یکی از سال ۱۸۰۴م تا ۱۸۱۳م و دیگر از سال ۱۸۲۶م تا ۱۸۲۸م و پیمانهای تحمیلی اهانت آمیز بیش از هر چیز مقدمات فکر تجدد طلبی را فراهم آورد و توجه طبقه روشنفکران ایران را به سوی عقب ماندگی و دفاع از استقلال و آزادی و سازماندهی کشور جلب نمود و به همت عباس میرزا که همواره صدر پیشرفت و اصلاح در امور نظامی و اداری ایران بوده گروهی از دانشجویان ایرانی سرشار از احساسات میهن دوستی و ملی گرایی و جمعیت فراگرفتن علوم و فنون جدید رهسپار کشورهای اروپای شدند در نتیجه ایران معرض داد و ستد علوم و تمدن های گوناگون کشورهای غرب قرار گرفت- عباس میرزا نه تنها در امور نظامی دست به اصلاحاتی زد بلکه در بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی و اداری کشور هم نقش مهمی را ایفا کرد و درخوی یک کارخانه مابوت بافی را تأسیس نمود و هم چنین وزیر برجسته عباس، ابوالقاسم قائم مقام فراهانی جهت اصلاح در زمینه اداری و ادبی و آموزش و پرورش دست به کار شد و در سال ۱۸۱۲م در

تبریز اولین مطبع سربی را تأسیس نمود-

علاوه بر این به همت عباس میرزا و ابوالقاسم قائم مقام فراهانی تعداد زیادی از کتابهای در زمینه تاریخی و جغرافیائی و سفرنامه و بویژه نظامی به زبانهای فارسی ترجمه شد: يك جالی دکتر محمد اسمعیل رضوانی هم گفته اند:

”این محیط خاص و پر از اروپای که توام باشکستهای پی در پی از سپاهیان روس و در برابر سپاهیان انگلیس و فرانسه بود- عباس میرزا و درباریان بیدار دل و لایق او را بر آن داشت که در صد د تسخیر اروپا بر آیند- در نتیجه با سرعت و شتابی که مایهٔ تعجب آدمی میشود کارخانه های متعدد اسلحه سازی دایر پر کردند چاپ خانه براه انداختند، کتاب ترجمه کردند و دانشجو به فرنگستان فرستادند، معلم اروپای استخدام کردند و تاجای که مقتضیات زمان اجازه می در پیش رفتند - اقدامات اصلاحی عباس میرزا شاهزاده بلند قدر قاچار عظیم تراز تصویری است که اکنون مردم دارند پر دامنه تراز آن است که در يك مقاله و لو بطور اختصار گنجانده شود-“<sup>۲</sup>

عباس میرزا در سال ۱۸۳۳ میلادی از جهان رفت و سپس پدرش فتح علی شاه هم در سال دیگر به درود حیات گفت

مرگ نابهنگام عباس میرزا برای ایران زیان جبران ناپذیر بود- اقدامات گسترده ای و دامنه دار عباس میرزا برای اصلاح درپمه نیروهای خود خواه و ضد تمرکز نظامی دست بکار شدند و اینطور نه تنها دست آوردهای اصلاحات این مرد برجسته و روشن بین شدید الطمه خورد بلکه وضعیت اقتصادی ایران هم در نتیجه سیل کالاهای خارجی در تمام بازارهای ایران و در شکسته شدن کارخانه هایکی پس از دیگری از بد به بد تر گرائید-

عباس مرزا و هم کارانش میرزا ابوالقاسم قائم مقام درباره برتری اروپا در جنگها بسیار عمیقانه فکر می کردند- آنها به نقطه رسیده بودند که پیشتر فتهای علمی و فنی در جنگ سبب برتری نیروی اروپا بر ایران شده بود آنها عقیده داشتند که اگر ایران می خواهد که زندگی خود را با افتخار بسر برد باید به سوی نوسازی در پرزمینه آن گام بردارد- بنا براین عباس میرزا در راه نوگرایی و نوسازی کشور اقداماتی را بعمل آورد- این نوگرایی شیوه اروپا می داشت- درباره عقیده و اندیشه این بنیانگذار پو شمند و همکار دانشمند او در آورده است که نوسازی و نوگرایی بدان معنی بود-

”امور آداری نو، ارتش نو، يك حكومت مرکزی، سیستم مالیاتی نو، وسایل حمل و نقل نو، آموزش و پرورش نو، و خلاصه ارزشهای نو، به ایران معرفی گرد-“

وقتیکه که عباس میرزا فرماندار و لایت تبریز بود بامساعدت ابوالقاسم قائم مقام صمیمانه قدم به اقداماتی نهاد- در نتیجه اقدامات وی رایزن های نظامی فرانسه و انگلیس در اداره ایالاتی استخدام گردیدند- اما لشکرکشی روسیها بر گرجستان عباس میرزا را آنقدر نگران و مشغول ساخت که او دیگر فرصتی نداشت که اندیشه ها و برنامه ها تازه خوی را بعمل آورد- ۳- با وجود این همه نابسامانیها این شیر مرد و دلداده نوگرایی و نو سازی، دو دانشجوی ایرانی را برای تحصیلات به اروپا فرستاد- ۴- و در سال ۱۲۳۱ هـ ق / ۱۸۱۵ م پنج دانشجوی را برای تحصیلات آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت عالی مخصوصاً در زمینه دوا سازی و پزشکی به انگلستان فرستاد- ۵- در سال ۱۲۳۰ هـ ق یکی لا یقترین ایشان که به اروپا رفته بود میرزا صالح شیرازی بود این همان مردی بود که نخستین روزنامه فارسی را چاپ کرد- علاوه بر او حاج بابای افشار و صالح شیرازی دیگر هم از جمله میرزا جعفر مهندس، خلف میرزا

تقی وزیر تبریزی برای تکمیل هندسه 'میرزا جعفر طبیب برای تحصیلات در زمین پزشکی، محمد کاظم، استاد محمد علی چخماق ساز مستخدم جنبه خانه دوستی برای فراگرفتن فن جنبه خانه و میرزا رضا اعزام به اروپا گردیدند. گام دیگری که عباس میرزا در راه نوسازی کشور خود برداشت، تأسیس نخستین چاپخانه در ایران بود، نیز نخستین کارخانه سلاح سازی ایجاد کرد و در شهر خود یک کارخانه ماهوت باضی برای حفاظت و حامی سپاهیان ساخت -۷

فرهنگ مشروطه پیش از آن که به جنبش بزرگ تبدیل شود و دیدهای جدیدی از قبیل: آزادی، قانون، مجلس شورا و نظم نوین اداری و اجتماعی ایجاد کند، نخست به وسیله نویسندگان پیش از مشروطه به صورت مضامین ادبی در ادبیات فارسی راه یافت و از طریق انواع ادبی که بعضاً جدید و مستحدث بودند و از جمله سترها و مجاری نفوذ فرهنگ غربی محسوب می گردند، بیان مسائل جدید که زبانی تازه و قالبی نو می طلبید، سبب گردید برخی از نویسندگان علیه ادبیات سنتی و رسمی، عصیان ورزند و بیانیه تندی که حاوی نقد و انتقاد بود صراحتاً در

کنند-

نخستین کسی که به نقد و انتقاد ادبیات کلاسیک پرداخت ، میرزا فتح علی آخوندزاده معروف به آخوندف بود- او در سالهٔ ”ایراد“ در قالب گفتگو و مناظره به شیوهٔ دراماتیک بر شیوه تاریخ نگاری و سبک مصنوع ”رضاقلی خان هدایت“ مولف روضته الصفاى ناصری ، خرده گرفت و علاوه بر این ، نقد گونه های بر شکل و مضمون یکی از قصاید ”سروش اصفهانی“ نوشت و در روزنامه ”ملت سینه ایران“ به چاپ رساند-

در همه این کارهای یعنی در بیداری تودهٔ مردم ایران چاپخانه یک جای مهمی دارد- بعد از تشکیل دادن چاپخانه در ایران نویسندگان و شاعران و روشنفکران کارهای خود را خیلی خوب انجام می دادند- زیرا که این یک منبع خاصی بود که در بیدار کردن مردن ایران کارهای خوبی انجام داده- زیرا که بیدون چاپخانه این ناممکن بود که نویسندگان ، روشنفکران و شاعران فکر خود به مردم عامه برسانند-

مایه دگرگونی اجتماعی و فرهنگی در ایران آوردن چاپخانه و تأسیس آن و منتشر شدن روزنامه ها است - چاپخانه اولین بار چین (China) اختراع کردند و بعداً روپائبان در حدود سدهٔ نهم هجری مطابق به سدهٔ پانزدهم میلادی با چاپ آشنا شدند و در

سراسر جهان رواج دادند و بلا آخره چاپخانه توسط يك گروه مذهبی مسیحی (فرقه کرملی) در زمان صفوی به ایران در اصفهان آمد-ایشان چاپخانه ای داشتند که بویژه چاپ و نثر انجیل و تورات بوده است-۸ قبل از آن که عباس میرزا چاپخانه ای در سال ۱۲۲۷ ق از روسها خرید، ویژه چاپ و نثر محدود به نثر و اشاعت تورات و انجیل و کتابهای مذهبی بود-عباس میرزا چاپخانه را خرید که چهار ماشین چاپ داشت و او را برای استفاده در شهر تبریز در سال ۱۲۲۳ ق آماده ساخت و بدین وسیله چاپ سنگی کتابهای فارسی در ایران آغاز گردید-۹ بهر حال چاپخانه در ایران آماده کار شد و میرزا صالح شیرازی و میرزا جعفر خان مشیروالدوله تبریزی که از دانشگاه های انگلیس تحصیلات خود را فرا گرفته بودند، پس از مراجعت به ایران نقش های مهمی را در راه نو سازی گوناگونی کشور بازی کردند-بطور مثال میرزا صالح شیرازی چاپخانه ای را در سال ۱۲۳۵ هـ ق / ۱۸۱۹ م تشکیل داد-يك چاپخانه دیگر در سال ۱۲۲۳ م / ۱۲۳۹ هـ ق در تهران بعمل آورد-چاپخانه عباس میرزا در سال ۱۲۴۰ هـ ق / ۱۸۲۴ م به تهران آوردند-۱۰ و نخستین روزنامه فارسی در تهران در سال ۱۲۵۲ هـ ق / ۱۸۳۶ م میرزا صالح شیرازی منتشر کرد-اما کلمه روزنامه در

زبان فارسی ریشه قدیمی دارد و در بسیاری از کتابهای قرون اولیه اسلامی این کلمه یا عربی شده آن به صورت ”روزنامهچه“ دیده می شود-میرزا صالح شیرازی کشور خود را خیلی خدمت کرده است- او در روزنامه خود هر چیزی نوشت که در بیداری آوردن در توده مردم ایران ایفا می کرد-

او مسایل مربوط به انگلیس مثلاً سیستم سیاسی، دستگاه دادگستری در لندن، کتابخانه ها، یتیم خانه ها، دانشکده های پزشکی و غیره سخن رانده است و نیز شرحی درباره جنگ استقلال امریکا و انقلاب فرانسه و دیگر رویداد های مهمی جهان اظهار عقیده کرده است که هم در تجدد اوضاع ایران و هم از لحاظ آگاهی از تقاضای نوین، در عمل دارای و حکمفرمایی کشور تاثیر بسزای ایجاد کرده است- او نیز در کتاب خود درباره برخی از قوانینی که در انگلستان به تصویب رسیده آنرا مانگنا کارتا (Magna Carta) یاد کرده میگوید که یکی از دستور های این فرمان آزادی برای مردم است- (۱)

روزنامه ها بهترین وسایل اظهار خیال است و مایه دیگر گونی های اجتماعی و سیاسی بوده است چون برای آشنا ساختن مردم از اوضاع و دیگر گونیهای جهان و سخن راندن از اندیشه



های تازه و مسایل حیاتی و اجتماعی حتی' پیشنهاد کردن راه حل آن مسایل، جامی بهتر از روزنامه نیست زیرا که توسط آن صدای فایده مند برای مردم در گوشه و کنار عالم میتواند با آسانی برساند - نخستین روزنامه ایران که بالا ذکر کرده ام در قرن بالا اخره قرن سیزدهم هجری منتشر شد - میرزا صالح شیرازی این روزنامه را منتشر کرد و نام آن روزنامه کاغذ اخبار بود - در آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه، به اشاره امیر کبیر روزنامه بنام "روزنامه چه" "اخبار دارالخلافة تهران" و "وقایع اتفاقیه" در ایران دایر گردید - و آن را در سال ۱۲۶۷ ه ق انتشار یافتند - این روزنامه تا به سال ۱۲۷۷ ه ق به همین نام سوم بوده و از آن پس با عنوان روزنامه "دولتی ایران" "روزنامه" "دولت علیه ایران" ادامه یافت - علاوه بر آن در زمان ناصرالدین شاه روزنامه های دیگر هم انتشار یافت - از جمله آن در تبریز سه روزنامه بنام "آذربایجان" و "تبریز" و "اتحاد" در شیراز "نامه فارس" و "نامه فرپنگ" در اصفهان انتشار یافت - همه روشنفکران در گسترش کردن خیال خود این وسیله را استعمال کردند - این در بیداری توده مردم ایران بهترین کار انجام داده است - روزنامه ها "اختر" در ۱۲۹۱ ه ق از استامبول انتشار یافت که میرزا مهدی اختر با همکاری سید محمد

طاہر تبریزی - روزنامه های فارسی دیگر مانند "حکمت" (۱۸۹۲ م  
( "ثریا" (۱۸۹۸ م) و پرورش (۱۹۰۰ م) چاپ می شد - در لندن میرزا  
ملکم خان ناظم الدوله که وزیر ایران بود از سال ۱۳۰۷ هـ ق  
روزنامه بنام "قانون" انتشار میداد نیز در بیداری ایرانیان موثر افتاد  
ایرانیان نیز در هندوستان زندگی می کردند - از جمله مسافرت کنند  
گان نصر الله ملك المتکلمین بود که در سال ۱۸۸۱ م به هندوستان  
آمده بود و یک کتابی درباره سیاست و اجتماع را نوشته بود که نام  
آن کتاب "من الخلق الی الحق" است تاثیر به سزای میان مردم  
ایجاد کرد - ۱۲ ایرانی دیگر که در هند زندگی می کرد سید جلال  
الدین کاشانی معروف به مؤید السلام بود و روزنامه بنام "حبل  
المتین" در سال ۱۳۱۱ هـ ق در کلکته انتشار می یافت - "حبل المتین  
" در تهران چند سال منتشر می کرد - ۱۳ خاص الکلام نیست که  
روزنامه ها که در ایران یا در خارج از ایران انتشار شد با اندیشه  
های نو، مردم کوچه و بازار را بیدار میساختند و سعی میکردند که  
ایشان از خواب غفلت دیرینه کاملاً بیدار شوند -

علاوه بر این یکی از وقایع مهمی که در جهان اتفاق افتاد  
که ایرانیان بیداری خواه را تحت نفوذ خود گرفت، انقلاب کبیر  
فرانسه بود که در سال ۱۷۸۹ پیا شده بود - انقلاب کبیر فرانسه را

مهمترین پیشآمدهای سیاسی و اجتماعی جهان باید شمار کرد- چون همین انقلاب بود که ملل را از خواب غفلت بیدار کرد- مردم را از بندگی و اسارت نجات داد و کاخ متبدان را ویران کرد و بشریت را با نور حقوق و آزادی بر خوردار ساخت- از این رو اولین بار مردم آگاه شدند که خداوند، انسان را آزاد کرده و باید آزادانه زندگی کند- انقلاب فرانسه چنان رستاخیز عظمی در دنیا برپا کرد که دنیا داران، پادشاهان روحانیون پیش آن وادار شدند که سر تسلیم خود را خم کنند- ایشان مجبوراً باقانون و حقوق بشریت و آزادی و عدالت مردم را بر خوردار ساختند- بنا براین ناگفته نماند که ستاره درخشان آزادی و بیداری در افق کشور فرانسه با نور خود کلیه کشورهای جهان را روشنایی بخشید و کم و بیش هر یک از ملل جهان دور و نزدیک بنا بر استعداد ذاتی و فکری از نعمت آن بر خود دار شدند و ایران هم با همه موانع و مشکلات خود کمی روشنایی و حرارت را بخود گرفت-

بعد از انقلاب فرانسه چند مردم از روشنفکران و طرفداران آزادی و آزاد دیخواهی به ایران مسافرت کردند- هر چند که این مسافرت برای فائده ایشان بود و برای تکمیل دادن نقشه های مرتب خود بود موجب آشنایی مردم با پیش رفت مغرب زمین

شد- این مسافرها سبب شدند که ایرانیان از فرپنگ و صنایع و شیوه حکومت اروپا بیشتر آگاه شدند-

مهدی ملک زاده در یک کتاب خود درباره ایرانیان اینطور گفته است -

”ایرانیان مرد با پوشی هستند ولی از اوضاع جهان و تحولاتی که در قرن اخیر روی داده بکلی بی خبرند چنانچه گوئی در پشت دیوار چنین زندگانی میکنند-

من از وقتی که از انقلاب کبیر فرانسه و اصول جمهوریت و حقوق بشر برای بعضی از رجال مهم دولت صحبت میکردم آنها بدرجه ای در شگفت میشدند که گوئی از کتاب هزار و یک شب برای آنها سخن میگویم“ ۱۴

انقلاب ژاپون و مشروطه خواهی در آن خطه مشرق زمین نیز مورد توجه ایرانیان گردید - امیراطور ژاپون جنبش مشروطه خواهی را در سال ۱۸۸۱ م اعلام کرد و سرانجام در ۱۱ فوریه ۱۸۸۹ م قانون اساسی کشور خود را تصویب کرد و ایرانیان از این تحولات نیز الهام گرفتند-

گذشته از این مردم از عوامل دیگر نیز الهام میگرفتند- یعنی علاوه بر مردان بزرگ و رجالها و وزیران و

نویسندگان ، خطباء هم بر زمین ایران ظهور کردند که تخم آزادی ، بیداری و حقوق و عدالت را در دل مردم کاشتند - توده مردم را اینقدر بیدار ساختند که بالا اخره زمینه مشروطیت فراهم کردند -

یکی از مردمهای بیدار ایران سید جمال الدین اسد آبادی معروف بنام افغانی بود در بیداری ایرانیان کارهای خیلی خوب انجام داده است - او در شصت سالگی در سال ۱۳۱۴ ه ق در اسلامبول از جهان رفت - او از کسانی بود که با بیانات خوبی و مقالات آتشین خود مردم ایران را به اتحاد آورد - او آن کسانی بود که حرف خود در مردم می گفت و برای آنها که خواندن و نوشتن نمی دانستند و بی سواد بودند یا نادار بودند و پولی نداشتند - ایشان با بیانات شیرین و شیوه انگیز در زبان ساده و سهل مردم را به مبارزه و مقاومت در برابر استبداد و جور و ظلم و فساد مستبد برانگیختند و درس دادند که هیچ وقت نباید در مقابل ظلم و استبداد سر خم کنند و ظلم مستبدان را تحمل کنند -

امیر کبیر صداعظم دربار ناصر الدین شاه قاجار ، مانند آفتاب در خشان بر آسمان سیاست می ستاییده است - ایشان سر شار از میهن دوستی که با قدرت اراده آهن و نیروی فکر و بزور تدبیر و سیاست سر انجام با پنجه آهنین و اند و خت های علمی خود -

کشورهای آلمان، و انگلیس و ترکیه عثمانی و ایران را تحت نفوذ خود آورده اند- حسین مکی درباره مقام امیر کبیر گفته است :-

”مقام میرزا تقی خان در ایران همانست که مقام بسمارک در آلمان، گلا دستون و پیرا میکاوی در انگلستان و مدحت پاشا در ترکیه، تنها چون امیر کبیر در چهار دشواریهای شدید ترمی گردیده است، ارزش کارنامه اش نیز ایرانیان بیشتر است“<sup>۱۵۷</sup>

امیر کبیر دارالفنون در سال ۱۸۵۱ تأسیس کرد- و بیشتر از معلمین در این دانشکده از کشورهای خارجی بودند- معلمین خارجی، اعزام محصلین ایرانی به اروپا، دائر شدن مدارس فرانسوی و مؤسسات امریکایی، تأسیس چاپخانه و روزنامه، تعلیم زبان فرانسه و انگلیس و از این قبیل جریانهای دیگر، زمینه را برای تأسیس دارالفنون مهیا ساخت- علاوه بر آن نیروی غیرمنظم، عدم آشنای با فنون جنگی نظام جدید و عدم آشنایی علوم مختلف جهان که موجب شکستهای ایران گردیده بود عوامل دیگر بودند- این مدرسه دارالفنون ایران بیست سال قبل از دارالفنون ژاپون و سرسال بعد از دارالفنون ترکیه افتتاح یافته بود- دارالفنون خدمات از چند جهت در راه بیداری و ترتیب مردم ایران انجام داده است -

از يك طرف برای دانشجویان ایرانی در باره مغرب زمین آگاهی می آورد و بطرف دیگر توسط مترجمان معلوماتی از کتابهای پرارزش در زمینه علوم مختلف مانند تاریخ، جغرافیا و سیاست برای طلبان علوم و دانش مهیا می ساختند - مترجمان دارالفنون ترجمه کتابهای خارجی مخصوصاً کتابهای فرانسه و اروپای می کردند -

گذشته از این 'انقلاب روسیه (۱۹۰۵) م تاثیرات زیادی بر کشورهای آسیای و مخصوصاً نفت مشروطیت ایران گذاشت - آغاز جنبش انقلاب روسیه در دهه های ۱۸۶۰ / ۱۸۷۰ م شروع شده بود و در سال ۱۹۰۵ م تخم آن جنبش در ختی شمر آورشد - با پیروزی انقلاب روسیه مردم از حقوق اساسی مانند مصونیت جان، آزادی افکار و بیان و تشکیلات اجتماعی برخوردار شدند - ایرانیان از این انقلاب خیلی متاثر شدند و ہم می فهمیدند که گرما در باره حق و آزادی خود جدو جهد می کنیم ما میتوانیم آن را بگیریم - بسیاری از مرکزهای علمی و سیاسی جهان که ایران را تخت نفوذ خود آوردند و می خواهم آن را زیر بیان میکنم - شهر استانبول 'مرکز ترکیه عثمانی در قرن نوزدهم میلادی یکی از مراکز مهم هدایت افکار سیاسی و اجتماعی و ادبی ایران محسوب می

شد- در آن ایام به علت ورود مظاهر تمدن جدید به ترکیه مانند چاپخانه و غیره و تعداد بسیاری از کتابها و آثار اروپایی به زبان ترکی استانبولی ترجمه و چاپ شد و به دنبال آن زمینه مساعدی برای آزادی و افکار و قانون و عدالتخواهی در آن سرزمین ایجاد گردید- تاثیر استانبول به لحاظ انتقال افکار سیاسی و اجتماعی جدید بر ایران زیادی است-

هند هم ایرانیان را متاثر کرده است- کلکته و بمبئی که به لحاظ تجارت و بازرگانی اهمیت خاصی داشت- از مراکز موثر در انتقال افکار مشروط خواهی و اروپای به ایران بودند- در اواخر قرن نوزدهم میلادی اخبار نهضت استقلال طلبان و آزادی خواهان هند به وسیله جراید و بازرگانان به ایران می رسید و بر افکار عمومی ایرانیان اثری گذاشت و آنان را به حرکت و جنبش می خواند- مولف تاریخ بیداری ایرانیان در این باره می نویسد:-

”.....و این اهالی هندوستان می باشند که به خیالی آزادی و استرداد استقلال خود افتاده و عما قریب افکار عالیہ آنها نتایج حسنه داده و به منتهای آمال خود نایل خواهند شد و ..... ما آهالی ایران در نهایت..... خاکساری بوده ..... مبتلای هزاران در دهای بی درمان از خارج و داخل- نه



راه آهنی داریم و نه کارخانه و نه روزنامه آزادی.....

احدی نیست که به خیال ترقی این ملت نجیب و اصیل و

ضعیف افتد..... و زرای خائن، وطن عزیز را به..... ثمنی

نجس به اجانب از هر جانب می فروشند..... نه بلدیۀ داریم و نه

نظیمه نه مالیه داریم نه عدلیه، نه مدارس داریم نه مجالس، نه

معارف، نه فلاحت، نه زراعت..... بیابید جنبش و حرکتی نمایید

و در موجبات ترقی مملکت و تربیت افراد ملت و ابناء وطن عزیزه

کوشش و جوشش نمایید شاید بالا آخره بتوانید اهالی مملکت را از

قید عبودیت و اسارت ورهای داده آزاد سازید.....“ ۱۶

روزنامه حبل المتین از کلکته منتشر می شد- نویسنده

روزنامه حبل المتین سید جمال الدین کا شانی مؤید الاسلام

بود- این روزنامه بیشتر!

”درباره گرفتاری های سیاسی ایران می نوشت و

دلسوزی ها و راپنمایی های بسیار می کرد و بارها پیشنهاد قانون

و حکومت مشروطه نمود-“ ۱۷

جای دیگری که در انتقال افکاری اروپای به ایران سهم

داشت شهر قاهره مصر بود که جریان غرب گرای آن سالها پیش از

ایران آغاز شده بود- بسیار روزنامه های فارسی در شهر قاهره

چاپ و انتشار می شد "حکمت"، "ثریا" و "پروش" بود که در میان آنها دو روزنامه اخیر بنامتر بودند- روزنامه پرورش در یکی از شماره های خود در ضرورت مجلس شورای و نفی استبداد و خودرایی نوشته است :-

"چند حاجی برای مشورت در کاری مجلس تشکیل داده اند- حاجی رضالی بزار مجلس را افتتاح کرد و در فوائد مشورت صحبت نموده می گوید: قال الله تبارک تعالی امریم شوری بیهم کما فال الله عزوجل و شاوریم فی الامر.....نض صریح کتاب و شریعت حضرت ختمی مآب است که در هر طریق رفیق مشورت باید بود و در امر جمهور شوری کرد.....خدا وند در قرآن طریقه استبداد و خود خیالی را منسوخ فرموده و مکرر به کسنایه از آن حکایت می کند....." ۱۷

## ضمیمه

- ۱- دکتر محمد استعلامی ، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۳۰
- ۲- دکتر محمد اسمعیل رضوانی ، انقلاب فکر ایران-در دوران فتح علی شاه، مجله راهنمایی کتاب-شمار اول سال هفتم پائیز ۱۳۴۳-ص ۱۷
- ۳- دکتر محمد استعلامی ، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۳۱
- ۴- از قرار دکتر محمد استعلامی در سال ۱۳۳۰ ه ق
- ۵- دکتر مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران-ص ۱۳
- ۶- ملك الشعرا بهار، سبك شناسی-جلد ۳، ص ۳۴۰
- ۷- دکتر محمد استعلامی ، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۳۱
- ۸- دکتر محمد استعلامی ، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۳۶
- ۹- دکتر محمد استعلامی ، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۳۶
- ۱۰- دکتر محمد استعلامی ، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ۳۹
- ۱۱- میرزا صالح شیرازی-رجوع کنید به سفر نامه-ص ۳۲۵
- ۱۲- مهدی ملکزاده ، زندگانی ملك المتكلمين-جلد اول ص ۶۸۰
- ۱۳- احمد کسروی-تاریخ مشروطه ایران-ص ۴۴-۴۲
- ۱۴- مهدی ملکزاده-انقلاب مشروطیت ایران-تهران-

جلد ۱ ص ۱۱۲

۱۵- حسین مکی، زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر- ص ۲۰

۱۶- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایران، بخش

اول- ص ۶

۱۷- مهدی ملکزاده: انقلاب مشروطیت ایران- تهران ص ۳۱

# فصل سوم

سهامی دانشمندان و نویسندگان و  
اندیشمندان معاصر ایران در تنظیم و  
ترتیب سیستم آموزش و پرورش

در سالهای بیداری ملی، گونه‌های جدید ادبی-رمان و  
نمایشنامه و داستان کوتاه برای بیان مفهوم‌های تازه از روسیه  
و فرانسه گرفته می‌شود- نخستین ایرانی که رمان و نمایشنامه  
ی نویسنده عبارتند از: روشنفکران مقیم خارج، آخوندزاده- طالبوف  
و میرزا حبیب اصفهانی و هم تاجران مهاجرمانند زین العابدین و یا  
تبعیدیهای سیاسی میرزا آقا خان کرمانی- ایشان که بارفتن از  
محیط عقب مانده ایران به کشورهای پیشرفته تر، باخواستها  
و مبارزات ملت‌های دیگر آشنا شده اند، اندیشه‌ی باب طبع قشرهای  
پیشرو و طبقه متوسط ایران- درباره قانون، ترقی  
صنایع، و تشکیلات دولتی را به شکل‌های ادبی و اجتماعی مطرح  
می‌کنند و بنا براین که همه روشنفکران، نویسندگان و شاعران  
می‌خواستند که ایران راه ترقی بگیرد و آنها برای بیدار کردن  
آن همه چیزی که در اروپا رائج بوده و ترقی دادن آن کشورها  
مدد کرده است گرفتند و می‌خواستند که توده مردم را از این سله  
بیدار کردند- و از این روی طرح ادبی نو بوجود آوردند و هم این  
طرح نو آموزش و دانش را خیلی کمک می‌کردند- نوشتن برای

مردم، ضمن آن که نثر را از قالب کهنه اش به درمی آورد، قابلیت‌های جدیدی به آن می بخشند-

برای یافتن نخستین رمان ایرانی باید به سال ۱۲۵۳ هـ ش بازگردیم، سالی که ستارگان فریب خورده- حکایت یوسف شاه نوشته آخوندزاده (۱۲۵۷-۱۱۹۱) را میرزا جعفر قراچه داغی به فارسی برمی گرداند- این داستان در حقیقت، یک رمان کوتاه تاریخی است، زیرا ماجرا هایش در زمان شاه عباس صفوی رخ می دهد- اما نویسنده از این قالب تاریخی برای ترسیم واقعاتی زمان خود به شیوه ای انتقادی، بهره جسته است-<sup>۹</sup>

آخوندزاده پرورده محیط و متأثر از واقعگرایی انتقادی روسیه، اولین رمان ایرانی را می نویسد به گفته آدمیت: "او پیشرو فن نما یسنامه و داستان پردازی اروپایی است در خطه آسیا..... اهمیت میرزا فتح علی در تقدم او بر دیگر نویسندگان خاور زمین نیست، در خبرگی او و تکنیک ماہرانه ای است که در نما یسنامه نویسی و داستان پردازی جدید به کار بسته است"<sup>۲</sup>

ایرانی که پس از آخوندزاده به نوشتن داستانهای جدید می پردازند، از ساختمان هما هنگ و نوین ستارگان فریب

خورده استقبال چندانی نمی‌کنند و آثارشان را به شکلی سفر  
نامه‌ای که در ادبیات کلاسیک ایران هم سابقه دارد می‌نویسد  
- این نوع داستان، بیانگر رفتن نویسنده به میان مردم و بادیدی  
تازه و انتقادی به اوضاع اجتماعی نگرستن است و در واقع  
، داستان وسیله برای شناخت و گذارش دادن از جامعه می‌شود -  
اصولاً پیدایش رمان فارسی در این دوران، حاصل  
لزوم نگرش به مردم و جامعه است - این نگرش که بریاورهای  
طبقه متوسط استوار است، بادیدگاه کهنه تفاوت دارد - با پای  
نهادن این طبقه به میدان اندیشه و هنر، رمان نوع ادبی متداول می  
شود - نویسنده دیگر به پشتگرمی اشراف نمی‌نویسد، بلکه  
خوانندگانی را در نظر دارد که می‌خواهند درباره زندگی و روزگار  
خود بخوانند: بنا بر این دیگر کلی‌گویی بازاری ندارد و نویسنده  
به نشان دادن زندگی انسان منفرد در جامعه می‌پردازد و بدین  
ترتیب به شخصیت‌گرایی روی می‌آورد - البته جز تحول  
اجتماعی و ساختی جامعه، عوامل فرہنگی متعددی به پیدایش  
داستان نویسی در ایران کمک می‌کنند - عواملی چون اعزام  
دانشجو به فرہنگ، ورود مظاهر تمدن اروپا به این سرزمین  
(چاپخانه) برای چاپ کردن روزنامه و کتاب - تأسیس مدارس



جدید-ترجمه کتابهای علمی تاریخی و ادبی (و افزایش باسوادان  
زمینه های مناسبی برای پیدایش گونه های جدید ادبی فراهم می  
کنند- با انقلاب مشروطه ، نظام پارلمانی جای نظام استبدادی  
کهن را می گیرد و چند صباحی مردم عادی حق انتخاب کردن و  
شرکت در نوشتن جامعه خویش را می یابند- با طرح شدن  
”فرد“ نوع ادبی و ویژه ای که زندگی این فرد را باز سازی کنند نیز  
پدید می آید- رمان ایرانی در این مقطع تاریخی ، زندگی پرنشیب  
و فراز خود را آغاز می کند-

روشنفکران برای رساندن پیام خود به نثر کتاب و روز  
نامه دست زدند و زمینه برای نزدیکی ادبیات با زبان مردم فراهم  
شد- در اینجا از قائم مقام فراهانی نخستین مصلح نثر پارسی در  
دوره قاجاریه نام برد که در ”منشآت“ خود کوشید فاصله بین  
زبان ادبی و زبان مردم را کم کند- ۳ دوره بعد کسانی چون  
سید جمال الدین اسد آبادی و ملکم خان ، میرزا آقا خان کرمانی ،  
شیخ احمد روحی ، طالب زاده ، زین العابدین مراغه ای ،  
آخوندزاده ، دهخدا ، شیخ محمد خیابانی ..... در طرح دادن  
این شیوه نو آموزش و دانش کار خیلی خوب انجام داده اند و هر  
کدام به سهم خویش کوشیدند از اندیشه های عصر جدید و

بیشتر به زبان پارسی چیزهای به گوش مردم سرزمین خویش  
برسانند - بسیار روشنفکران در طرح دادن این شیوهٔ خیلی کمک  
کرده اند - امیر کبیر یکی از آنها بود که برای در آوردن کار این يك  
فرهنگستان که نامش دارالفنون است باز کرد - این فرهنگستان در  
این راهی خیلی کمک کرده است می فهمم که این خیلی لازم است  
که درباره این فرهنگستان کمکی بیان کنم -

میرزا محمد تقی خان امیر کبیر به درستی یکی از  
لایقترین و با استعدادترین صدراعظم ناصرالدین شاه  
بود - او در ماه اکتبر سال ۱۸۴۸ م به عنوان صدراعظم زمام امور  
رابعه گرفته و زمام داری اش بمدت سه سال بطول انجامید و  
در این دوره کوتاه او دارالفنون را تأسیس کرد - تأسیس دارالفنون  
در تهران در سال ۱۸۵۱ م حایز اهمیت ویژه ایست و بعنوان  
نقطه عطفی در ترویج و گسترش علوم و فنون و فرپنگ جدید به  
سبک اروپای در ایران بشمار می رود دارالفنون در بالا بردن  
سطح آموزش و دانش در ایران سهم بسزا داشته است  
- دارالفنون در پیشرفته کار تعلیم و تربیت و اخذ علوم و فنون  
جدید اروپای در ایران موثر افتاده و وسیع مردم را با طرز زندگی  
اروپایی که تا آن زمان ایرانیان بدین از آن نبرده بودند و طولی

نکشید- يك فشر روشنفکر از اطباء و علمای ریازی و طبیعی در تهران پیدا شدند و با ترجمه و تألیف کتب بر طبق در فرهنگ ایران کمک کردند بطوریکه میتوان گفت تجدد خواهانه در عصر ناصری تاجدی از برکت تربیت و تعلیم همین طبقه از تحصیل کردگان دارالفنون بودیم این مؤسسه سود مند ایران را دست گرفتند تربیت کرد“ ۴۷

امیر کبیر بطرف دیگر می خواست که ایرانیان از علوم و تمدن جدید که در اروپا دایماً در ترقی بود استفاده کند تا در افکار عموم مردم يك کمی انقلاب و تحول ایجاد شود- عقیده داشت که وقتیکه جوانان ایرانی، آشنایی و روشنایی از تمدن و علوم مختلفه ملل غرب بدست نمی آورند نمیتوانند کشور را بسوی پیشرفت ببرند- از اینرو امیر کبیر با کشورهای پیشرفت دنیا پمدوشی کرد- امیر کبیر تقریباً دوبار روسه رفت و نیز به دولت ترکیه عثمانی را دید- در این مسافرت به دول خارجی ‘اومشاهده احوال و اوضاع دنیای جدید را کرد- و اینطور آگاهی در اصول تعلیم و تربیت ملل اروپای رابدست آورد- چون میدانست که اگر ایران می خواهد ترقی کند و دوش بدوش دنیای جدید کار کند باید سازمان خود را تغییر بدهد و آن را به معدل سازمان اروپای از نو

سازد - ۹

برای این هدف به ترمی دانست که عده ای  
از دانشجویان را برای کسب علم جدید به کشورهای غرب  
بفرستند و یا عده های از معلمین اروپایی را به ایران دعوت  
کنند- اینطور امیر کبیر یک طرح نو آموزشی و دانشی را تشکیل  
داده است -

روشنفکران برای طرح دادن آموزش و دانش نو چند  
کمیسیون نهایی فرهنگستان را تشکیل داده بودند - می خواهیم که در  
زیر بیان کنم :-

(۱) کمیسیون اصطلاحات اداری :-

تیمار سرلشگر احمد نخجوان (رئیس) -

آقای دکتر صدیق (مخبر)

سرکار سرهنگ عامحسین مقتدر (منشی)

جناب آقای احمد اشتری، آقای رشید یاسمی، آقای

محمد حجازی، سرهنگ قهرمانی - آقای بهروز

(۲) کمیسیون اصطلاحات داد گستری (قضای)

جناب آقا دکتر ولی الله نصر (رئیس)

آقای دکتر علی اکبر سیاسی (منشی)

آقای جمال الدین اخوی (مخبر)

جناب آقای دکتر احمد متین دفتری، آقای دکتر

شایگان، آقای آموزگار، آقای علی پاشا صالح، جناب آقای

مسطفی عدل

(۳) کمیسیون اصطلاحات علمی

جناب آقای غلام حسین رہنما (رئیس)

آقای دکتر حسابی (مخبر)

آقای حسین گل گلاب (منشی)

آقای دکتر خبیری، آقای دکتر پارسا، آقای دکتر آل

بویه، آقای ابوالقاسم نراقی، آقای دکتر جناب، آقای دکتر عبدالله

شیبانی، آقای شیخ نیا، آقای دکتر فرشاد، آقای دکتر

صحابی، آقای دکتر جودت، آقای تقی فاطمی، آقای دکتر روشن

زائر، آقای مهندس عبدالله ریاضی، آقای دکتر افصلی پور، آقای

مرتضی قاسمی، آقای دکتر ابوالقاسم غفاری، آقای جمال

افشار، آقای دکتر ریاضی، آقای دکتر هشترودی -

(۴) کمیسیون دستور زبان فارسی :-

آقای عبدالعظیم قریب (رئیس)

آقای حسن علی مستشار (مخبر)

آقای پور داؤد (منشی)

آقای بدیع الزماں فروزانفر، آقای عباس اقبال

آشتیانی، آقای محمد قزوینی، آقای محمد تقی بہار، آقای ہمایون

فرخ، آقای ہمائی، آقای مہدی بیانی، سرکار سروان لوائی

(۵) کمیسیون فرہنگ

جناب آقای محمد علی فروغی (رئیس)

آقای بدیع الزماں فروزانفر (مخبر)

آقای سعید نفیسی (منشی)

آقای دکتور رضا زادہ شفق، آقای امیر خیزی، آقای بہمن

یار، آقای محمد تقی بہار، آقای پور داؤد۔

(۶) کمیسیون راہنمائی:-

جناب آقای حسن اسفندیاری (رئیس)

سرکار سرہنگ مقتدر (منشی)

آقای حسن علی مستشار (مخبر)

جناب آقای مہمد علی فروغی، جناب آقای رہنما، آقای

دکتور صدیق، آقای عباس اقبال آشتیانی، آقای روح اللہ

خالقی، آقای پرویز خانلری۔

(۷) کمیسیون جغرافیائی واصطلاحات فرہنگی:-

آقای دکتر رضا زاده شفق (رئیس)

آقای حسین گل گلاب (مخبر و منشی)

آقای عباس اقبال اشتیانی - آقای بهمنش - آقای دکتر

خان بابا بیانی - آقای دکتر مستوفی - آقای دکتر پوشیار - آقای

دکتر یحیی مهدوی - آقای دکتر علی جلالی - آقای دکتر صدیقی

- آقای قمشه ای - آقای پرویز خانلری -

(۸) کمیسیون پزشکی :-

جناب آقای دکتر امیر اعلم (رئیس)

آقای دکتر غنی (منشی)

آقای دکتر محمد حسین ادیب - آقای دکتر محمود نجم

آبادی آقای دکتر شهراد - آقای دکتر جیسی - آقای دکتر کاسمی

- آقای دکتر نعمته الاهی -

کارمندان وابسته فرهنگستان :-

آقای سید محمد علی جمالزاده ، پرفسور کریستن سن

(دانمارکی) ، استاد هانری ماسه (فرانسوی) ، آقای دکتر فخر

ادهم (فخرالاطباء) جناب آقای محمد حسین پیکل وزیر فرهنگ

مصر ، جناب آقای محمد رفعت پاشا رئیس فرهنگستان مصر ،

آقای دکتر منصور بیک فهمی کارمند فرهنگستان و رئیس کتابخانه

مصر- آقای علی بیک الجارم کارمند فرپنگستان مصر- آقای پر  
فسور رپیکا (چکوسلواکی) لاه

این همه روشنفکران در طرح دادن این شیوه خیلی  
کوشش می کردند و هم کامیاب شده بودند-

ملکم خان، زین العابدین مراغه ای، دهخدا در گسترش  
نثر جدید هم نمایانی داشتند، و مشخص ترین چهره در بین آنها  
”طالب زاده“ است که در کتاب احمد درباره همه مسائل  
اجتماعی- گاه به شیوه روسو سخن می گوید، و بین اوضاع ایران  
و اروپا مقایسه می کند- طالبزاده (۱۲۵۰-۱۳۲۹ هـ ق) در زندگانی  
طولانی خود، در دوره می زیست که رابطه های سرمایه داری در  
داخل جامعه فرتوت خانخانی رخنه می افکند و فشار روز افزون  
استعمارگران اروپائی بر شرق، مردم را از خواب گران بیدار می  
ساخت و اندیشمندان را به چاره جوئی برمی انگیخت- سران  
مشروط و طالب زاده از اهمیت کار خود چه در زمینه سیاسی و چه  
در زمینه ادبی آگاه بودند، و خود طالبزاده می دانست که از بنیاد  
گذاران نثر ساده پارسی است و در این باره می نویسد: ”از برکت  
کثرت مطالعه و زور مداومت بعضی آثار مختصر به یادگار  
گذاشتم که اخلاف بنده تکمیل کرده بنده را مهندس انشاء جدید



بدانند.....“۸

طالب زاده می کوشید اندیشه های علمی و سیاسی جدید را در ایران رواج دهد ولی با این همه به مردم کشور خود دوری از تقلید کورکورانه را اندرز می گوید: “از هیچ ملت جز علم و صنعت و معلومات مفید چیزی قبول نکنی - تقلید نمائی یعنی در همه جا و همیشه ایرانی باشی و از برکت علم و معاشرت ملل خارجه بفهمی ،حالی سوی که مشرق زمین غیر از مغرب زمین است از آنها جز نظام ملك چیزی استفاده نکنی مبادا شعشئه ظاهری آنها ترا بفریبد ،مبادا تمدن مصنوعی (یاو حشیت واقعی آنها ترا پسندد افتد-“۹

طالب زاده و دیگران از فرادش پوری سرزمین خود آگاه بودند و جهاتی از آن را نمی پذیرفتند و کامیابی های نویسندگان غرب را نیز بدیده می گرفتند ،و برای فهماندن اندیشه های خود به مردم ساده به نثر بی پیرایه می گرائیدند و گاه در نوشته های خود شعرهای ساده شاعران گذشته و مثل های عامیانه را راه می دادند-

روشنفکران این دوره تحولی که نقش مؤثری در زندگی اجتماعی مردم دارند ،به افشای تناقضهای درونی نظام حاکم بر

جامعه می پردازند و اندیشه های نوین طبقه متوسط را به شکل های ادبی مطرح می کنند - این روشنفکران در جهت تغییر روابط اجتماعی موجود به روابط اجتماعی سرمایه داری تلاش می کنند - این مهمترین خصلت ادبیات مشروطه و یکی از عمده ترین پد فهای ادبیات ایران تا سالهای ۱۳۴۰ ش است - در این دوره 'نفی کهنه ها و پذیرش تازه ها که از غرب سر چشمه می گیرند - شیفتگی نسبت به فرپنگ اروپای را برای روشنفکران پیشرو ایران به همراه می آورد -

نوول سیاحت نامه ابراهیم بیگ تالیف حاجی زین العابدین مراغه ای است - نویسنده دید تیزی داشت و نقادیهای وی نسبتاً بجا و چند بعدی است تا جای که موجب محبوبیت عظیم این اثر شده است زین العابدین نه تنها نویسندگان نثر نویس نسل های بعد را تحت تاثیر قرار داد بلکه به خاطر داشتن نقادیهای سازنده ای از اوضاع نابسامان ایران دارای اعتبار زیادی است -

اگر شاخه های معینی از ادبیات فارسی دوره مشروطه را مورد بررسی قرار دهیم متوجه می شویم که این ادبیات باحیات معاصر ملت ایران و مسائل کوبنده آن جوش خورده است (که

بارها این گرایش مسائل پتری رابه داخل این زمین شوق داده است) - از این رو با نوول بود که: وظیفه میهن پرستان ارائه تاریخ باشکوهشان به مردم 'نوول نویسان را به طرف مضامین تاریخی ایران سوق داد - این موضوع را صنعتی زاده کرمانی یکی از پرکارترین نوول نویسان فارسی انتخاب کرد چرا که اولین نوول وی که بدینسان اولین اثر ادبیات ایران از این حیث است دارای مضمون تاریخی است - ۱۱

یکی از رویدادهای ادبی سال ۱۹۲۰ م که در گسترش نثر نوین فارسی اهمیت تاریخی داشت چاپ کتاب کم حجمی از قصه های کوتاه تحت عنوان "یکی بود یکی نبود" بود - این کتاب در سال ۱۳۴۰/۲۲ - ۱۹۲۱ منتشر شد و ناشر آن نثریه کاوه در برلن و نویسنده آن مورخ جوان محمد علی جمالزاده بود - وقتی که این قصه ها برای نخستین بار به ایران رسید با سردی برگذار شد، تظاهراتی علیه نویسنده که جرأت کرده بود از هموطنان خود انتقاد بکند براه افتاد و در بعضی نواحی این کتاب واقعاً به آتش کشیده شد - همه این کارها دلیلی بود بر اینکه قصه های جمالزاده در حد خود يك انقلاب ادبی راه انداخته است - گسترش عظیم نثر و نقش قصه کوتاه در این گسترش این نظریه را تائید می کند - ۱۲

جمالزاده با شش اولین کتابش سنگ بنای نثر طنزآمیز فارسی را پی نهاد - این قصه ها نوعی تلقی تازه و ستیزه جویی بی محابا ، و از نظر عادی نوعی استادی واقعی از مبالغه شعری رازوی دایره ریخت - نویسنده که به عنوان مورخ و جامعه شناس تربیت یافته بود مسائل و روابطی را در مفاهیم گسترده اش نشان داد - بدینسان نه تنها از سیاسیون فاسد ، شکار چیان بی چشم رو و متظاهر صحبت کرد بلکه نظام و اوضاع اجتماعی نیز که فلسفه وجودی مردم را نشان می داد - سخن بمیان آورد - از اینرو او یک سبک طرز و بیان نو ایجاد کرد -

با آثار صادق هدایت - داستان کوتاه مقام واقعی خود را در ادب معاصر پیدا می کند و تحول و تنوع کم نظیری می یابد - نویسندگانی چون جمالزاده ، هدایت و علوی کوشیدند با رویکردی تازه به صناعت داستان نویسی و مناسبات اجتماعی ، صدای گروپهای وسیع تری از مردم را منعکس کنند - هدایت از فرپنگ اروپایی ، ساختمان داستان کوتاه و روانشناسی شخصیت هارا گرفت و برای نخستین بار صناعت داستان نویسی جدید را به نویسندگان ایرانی معرفی کرد - قدرت نویسندگی با آگاه هایش از فرپنگ مردم در آمیخت و تعدادی از اصیل ترین

آثار ادبی معاصر را به وجود آورد - این آثار از لحاظ صورت و معنی 'استحکام و غنایی داشتند که پیش از این در داستان نویسی فارسی سابقه نداشت - هدایت 'زبان داستان نویسی رانیز تکامل بخشید - در نثر توصیفی و تصویری آواز عبارت پردازیا و توضیح های نثر جمالزاده کمتر اثری می یابیم - هدایت نماینده روشن فکرانی است که از گمراهی و فریبی که بر دوران چیره شده مضطربانه به دنیای ذهنی خود پناه می برند - این اضطراب (اجتماعی و فلسفی) یکی از مهمترین درونماید های آثار اومی شود -

بزرگ علوی یکی از مطرح ترین چهره های ادبیات معاصر در چینن دوره ای داستانها یش منتشر می کند - اولین مجموعه داستان بزرگ علوی بانام "چمدان" در سال ۱۳۱۳ منتشر شد - این کتاب شامل شش داستان است که تاثیر نوشته های هدایت بر آنها آشکار است - آدمهای این داستانها سرگردان و نومیدند، اغلب آنها با ما جرای عشقی درگیرند، ما جرای که در نهایت به شکست می انجامد - شکستی که گاه نتیجه بیماری است - مثل داستان "قربانی" - و گاه رنگی از روان نثر ندیهای چون عقده اودیپ به خود میگیرد - مثل داستانهای "عروس

هزار داماد“ و “سرباز سربی“ نثر علوی سوای جمالزاده و هدایت است - او زبان غنی کوچه و بازار را به کار نمی برد، زبان ساده ای دارد که برای تشخیص تاثیر زبانهای اروپای دریافت آن دقت چندانی لازم نیست - از لحاظ محتوای نیز اثر رمانتیسیم بدبینانه ادبیات آلمان بر کارهای علوی آن چنان عمیق است که حتی “اجتماعی“ ترین داستانهای این دوره اش را در برمی گیرد-۱۳

از نویسندگان تازه کاری که بعد ها به شهرت می رسند، سیمین دانشور (متولد- ۱۳۰۱) و بیش از دیگران از ادبیات منحنی تاثیر می پذیرند- سیمین دانشور نیز از سموم ادبیات بازاری مسموم شده است - این تفاوت که اروتیسیم به آذین در آثار کتاب دانشور، آتش خاموش (۱۳۲۷)، نشانگر بی تجربگی او از زندگی و بی اطلاعیش از فنون داستان نویسی است - اما آنچه در همه آنها دیده می شود، احساسات زنانه ای است که در داستان نویسی ایران تازگی دارد- قهرمان اغلب داستانها دختری جوان، تحصیل کرده، فضل فروش و احساساتی است که می تواند همچون قهرمانان داستانهای دشتی، در باب عشق های رمانتیک بریزد- دانشور از دید این دو شیزه بر خاسته از خانواده ای مرفه

،عقب ماندگیهای ایران بایپشرفتهای غرب مقایسه می کند-صادق چوبک نیز در ادبیات معاصر ایران قابل توجه است -در نمایشنامه ”توپ لاستیکی“ به نظر می رسد که چوبک ،متاثر از ادبیات رایج مطبوعات چپ ،زمینه تازه ای برگزیده وبه اعتراض کلی خود جهتی اجتماعی وباب روز داده است -

جلال آل احمد فقط نویسنده نبود ،بلکه چهره اجتماعی هم بود-در نوشته های خود زندگانی می کرد و به آنچه می نوشت باور داشت -قلمدر دست او چونان سلامی بود که با آن می جنگید و نحاله های نووکهنه را از سرراه پیشرفت هنری مرز و بوم ماکنار می زد-آگاهی بیداری بود که آئین ”راپروی“ رانیک می شناخت و پرده از چهره نا بکاری های روشنفکران نما ها و زالو های اجتماع برمی گرفت -جلال آل احمد زندگی ادبی خود را با چاپ قصه های ملموسی از قربانیان بگیرد و ببندهای سیاسی تحت عنوان ”از رنجی که می بریم“ شروع کرد-وداستان ”زیارت“ ویژگی ها اساسی داستان نویسی آل احمد را در خود دارد:راوی داستان آدمی است بیگانه از جمع ”هرکس حالی دارد و جز من هیچ کس در اینجا تماشا چی نیست -“در داستان ”دیدوبازدید“ و چند داستان دیگر تصویرهای انتقادی اما سطحی از سنخ های مختلف

اجتماعی ترسیم می کند- از اینرو این داستان گو به طرح دادن آموزش و دانش نوخیلی کمک کرده است- و برای فهماندن زبان و فکر خود زبان سلیس را استعمال کرد-

جلال آل احمد با نیت آفریدن رئالیسم سو سیالیستی داستانهایی "از رنجی که می بریم" را نوشت و همچنان که خودش می گوید موفقیتی به دست نیاورد- زیرا به جای توصیف تکاملی واقعیت تاریخی با هدف تاثیر گذار یهای سیاسی اجتماعی مشخص 'به' شکست "پر داخته اند-

نثر جلال آل احمد آمیزه ایست از کلام ادبی و سنتی و زبان امروز و زبان مردم کوچه و بازار، فشرده، پرهیجان، و پر مضا- در تصویر صحنه ها مهارتی نو آئین نشان می دهد- نثر او بلور درخشان زبان زنده امروز پارسی است که فلمیه های اشرافی را در هم می شکند و سخن زنده مردم را به جای آن می نشاند- جلال آل احمد در طرح دادن این شیوه کارهای خیلی خوب انجام داده است- و از اینرو او در طرح دادن آموزش و دانش برای خود جای خاصی ساخته است -

چند شاعران هم به تشکیل آموزش و دانش خیلی زیاد کمک کرده اند درباره آنها در زیر ذکر خواهیم کرد- خاصی در آنها



نیما یوشیج، ادیب الممالک فراهانی، فرخی یزدی، ابوالقاسم لا  
پوتی، عشقی، عارف قزوینی، فروغ فرخزاد و پروین اعتصامی  
و غیره -

از مشروطه به بعد ادبیات فارسی به ویژه شعر نما یا نگر  
احساسات و عواطف اجتماع شد- شعراء و نویسندگان که همه  
استعداد و نبوغ خود را جهت اخذ رضایت ممدوح خود بکار می بردند  
در نتیجه بیداری سیاسی و اجتماعی صرف نظر از خیالبافی و قافیه  
پیمائی و سرشار از احساسات میهن دوستی و ملی گرائی همه  
توجهات خود را بسوی مسایل اجتماعی جلب نمودند و شعراء  
جهت مبارزه با ظلم و استبداد و مفسد اجتماعی به عنوان سلام بکا  
ر بردند- و اینطور شعر دوره مشروطه هماهنگ با مسائل  
روز شد- افکار حماسی و ملی گرای و آزادی خواهی و ضمن  
محکوم نمودن نفوذ و تجاوز بیگانگان در امور داخلی ایران توجه  
مردم را بسوی دفاع از استقلال و آزادی کشور جلب  
نمودند- اینطور قالب و محتوای شعر فارسی دوده مشروطیت تحت  
تاثیر عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی در دستخوش تحولات  
چشمگیر گردید- قالب عزل و قصیده همآ طور ادامه داشت اما  
محتوایش کاملاً تغییر یافت -

انقلاب مشروطیت و تحولاتی که بدنبال آن در محیط سیاسی و اجتماعی ایران بوجود آمده باید ایجاد يك تحول فکری و تازه جوئی در آثار شعراء و نویسندگان این دوره گردید و به عقیده ابراهیم صفائی: طرز تفکر و احساس و اندیشه شاعران و حتی الفاظ و اصطلاحات و گاهی وزن شعر را نیز دگرگون کرده و شیوه ای نو و مکتبی جدید در ادبیات ایران پدید آورده و آثار شعر دوره مشروطیت چون آئینه صاف و روشنی است که ظهور و جهت حرکت و چگونگی این تحول فکری را در اجتماع و در شعر و ادبیات فارسی به مانشان می دهد و به پندار من ادبیات دوران مشروطه با زمان کوتاه خود فصلی جالب و درخشان در ادبیات ایران گشوده و شعر را از عالم خیالبافی و خدمت به می و معشوقه به خدمت آزادی در اجتماع در آورده و تفکر و اندیشه شاعران را دگرگون کرده و آنان را بسوی يك هدف عالی و مسئولیت اجتماعی رهنمون شده است“ ۱۵

اشرف الدین نسیم شمال، عارف قزوینی و میرزا عشقی رامیتوان شاعران مردم گراوسنت شکن و سخنگوی مردم کوچه و بازار نامید که وارد میدان عمل شده بالهجه عامیانه ”لفظاً و معنا“ شعرشان در معرفی حوادث زمان قرار داده اند- شعرشان

تمام رنگ و بوی مشروطیت را در خود دار است - شعراینان نبض  
عصر مشروطیت است با تمام حوادث روز زبان شعرشان نیز  
زبانی است نزدیک به زبان کوچه و بازار و روزنامه ها چندان متکی  
به سنت نیست - "۱۶

از جمله شاعران صدر مشروطیت ادیب المالك فراهانی  
ملك الشعراء بهار، دهخدا، فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی، وحید  
دستگیری و ایرج میرزا و غیره را میشود بعنوان شاعران سنت گرا  
بشمار آورد که با حفظ روایات و سنن قدیم و اوزان عروضی اصیل  
شعر سنتی در قالب متداول غزل و قصیده با انجام کامل و باریاعت  
موازین کهن مضامین تازه سیاسی و اجتماعی و روح زمان را  
منعکس نموده تبحر علمی و تسلط کامل شان به زبان و بیان را به  
ثبات رساندند و گاه گاه بسر حسب اقضای زمان تحت چهار چوب  
اصیل شعر دست به ابتکار و نوآوری نیز زده دلی فراتر از حد  
اعتدال نرفته اند در حالیکه شعرشان رنگ و بوی زمانه و تمام  
مظاهر تحول و تجدد صوری و معنوی را در بردارد - همه شاعران و  
نویسندگان می خواهند که زبان سلیس را استعمال بکنند زیرا که  
این در مطالعه کردن مردم عامه دشوار تر نشود و از حق خود را  
بیدار بشوند -

نیما یوشیج اسفندیاری (۱۸۹۶-۱۹۶۰) در روستای یوش مازندران چشم به جهان گشود-ایام کودکی اش را در روستای خود بتحصیل پرداخت-بعد ها مدرسه سن لوی در تهران زبان فرانسوی فراگرفت و به تشویق ورهنموداستادش نظام وفا به خط شاعری افتاد-۷۷ لوی در سال ۱۹۲۰م شعر خود را بنام "قصه رنگ پریده خون سرد" در قالب مثنوی سرود و یکسال بعد منتشر کرد-قطعه "ای شب" نیز در همین سال در روزنامه "قرن بیستم" منشترگردید و با این شعرها او یک طرح نو در شاعری ایجاد کرد-"افسانه" نخستین پارچه شعری بود که از روش سنتی انحراف یافت و توجه منتقدان را بسوی خود جلب نمود-نیما یوشیج می گوید که برای شاعری کردن درباره مردم عامه یا درباره مسائل توده مردم عامه این لازم است که از سنت شاعری بیرون میآید زیرا که این خیلی مشکل است که هر چیزی که شما می خواهید در پابنده سنت شاعری نوشت و هم نیما بنیا نگذار شعر نو می نامند-وبعداً زیاده تر شاعران او را پیروی می کنند-ازینرو او در طرح دادن آموزش و

دانش نو، جای خاصی دارد- او شعر فارسی را از پابنده  
ردیف و قافیه بیرون آورد- اینطور این طرح نودر اظهار  
کردن دردهای خود یا دردهای توده مردم خیلی آسان  
تر کرده -

## ضمیمه

- ۱- حسن عابدینی: صد سال داستان نویسی در ایران، جلد اول  
(تهران ۱۳۶۹) ص ۲۰
- ۲- حسن عابدینی: صد سال داستان نویسی در ایران، جلد اول (تهران ۱۳۶۹) ص ۲۰
- ۳- عبد العلی دست غیب: گرایش‌هایی متضاد در ادبیات معاصر ایران، تهران-ص ۱۳۰
- ۴- یحیی آرین پور: از صبا تا نیما-ص ۱۵۸-۱۵۹
- ۵- حسین مکی: زندگی میرزا تقی خان امیرکبیر (تهران ۱۳۲۳)  
ص ۸۵
- ۶- فرهنگستان ایران- واژه های نو که تا پایان سال ۱۳۱۹ در فرهنگستان ایران پذیرفته شده است ( از انتشارات دبیر خانه فرهنگستان-تهران- ص پ-ت-ث
- ۷- فرهنگستان ایران- واژه های نو که تا پایان سال ۱۳۱۹ در فرهنگستان ایران پذیرفته شده است ( از انتشارات دبیر خانه فرهنگستان-تهران- ص ج
- ۸- عبدالعلی دست غیب: گرایش‌های متضاد در ادبیات معاصر

ایران-تهران ص ۱۳۱

۹- عبد الرحیم طالبوف: مسالك المحسنين-ص ۱۹۴

۱۰- حسن عابدینی: صد سال داستان نویسی در ایران- جلد اول

تهران ۱۳۶۹-ص ۲۵

۱۱- یعقوب آژند: ادبیات نوین ایران- موسسه انتشارات امیر

کبیر-تهران ۱۳۶۳ ص ۳۶

۱۲- یعقوب آژند: ادبیات نوین ایران- موسسه انتشارات امیر

کبیر-تهران ۱۳۶۳ ص ۶۰

۱۳- حسن عابدینی: صد سال داستان نویسی در ایران- جلد اول

تهران ۱۳۵۹ ص ۷۸

۱۴- عبدالعلی دست غیب: گرایشهای متضاد در ادبیات معاصر

ایران-تهران ص ۸۱

۱۵- ابراهیم صفائی: جریان های بزرگ فکری و اجتماعی و اثر آن

در شعر فارسی- نخستین کنگره شعر در ایران- دفتر نخست-

ص ۱۴۰

۱۶- محمد رضا صفی کدکنی: مجله دانشکده ادبیات و علوم

انسانی دانشگاه فردوسی ۱۳۵۴-ص ۱۶۹-۱۷۰

۱۷- دکتر اسماعیل حاکمی، ادبیات معاصر، چاپ اول ص ۵۷

# فصل چهارم

تحلیلی انتقادی دربارهٔ تعویض نیازهای  
اجتماعی و فرهنگی در ادبیات نثر فارسی از  
دید اخلاقی، معنوی، فلسفی و فرهنگی



قبل از دورهٔ قاجاریان شاعران و نویسندگان فقط در مدح پادشاهان دربارهٔ مذهب نوشته بودند ولی با قاجاریه یک تحولات گسترده در ادبیات فارسی آمد - جهت خاصی این یک رابطه بین اروپا و ایران بود از این رو نویسندگان و شاعران از دربار بیرون آمدند و برای مردم عامه نویسندگی آغاز کردند -

سالهای اخیر قرن نوزدهم میلادی در ادبیات فارسی هائز اهمیت فائقی است - زیرا که همین دوره است که زمین های ادب معاصر رونق و تجد رآن شروع می شود -

در دوره های کهن نثر فارسی نثر متکلف پر از تشبیهات و صنایع لفظی و بدیعی بود که صحنه ادبیات ایران را فرا گرفته بود - در حالیکه اروپا از خواب کسل بارسنت بیدار شده بندهای کهن و زنجیرهایی دوران اسارات رامی کشود - اندیشه های روشنفکران مانند بیکن و کارت گلیله ، والتروژان ژاک روسو در فکر تودهٔ مردم پیجانی پیدا می کرد و عصر جدیدی را در تاریخ آزادی انسان آغاز می کرد ولی در ایران وضعیت این چنین نبود ، مردم

هنوز گرفتار شیوه خرافات، پندارهای بی اساس بودند و بجای این که گامی بجلو بردارند در حال وقفه و سکون بیشتری قرار می گرفتند-

در آثار ادبی دوره های قبلی بیشتر از کنایات استعارات و مترادفات و تکلفات استفاده می شد- نویسنده گان این دوره با بیشتر به کار بردواژه های- غیر مانوس عربی، بنقل هدیت ها، آیه ها و اخبار گرایشی داشتند- الفاظ و عبارات وسیله معانی است و بی چون نویسنده معانی و مطلبی تازه ندارد تا بیان کند یا معانی در ذهن اوست معروف و معهود اذهان دیگر اسرناچار است برای هنرنمای بیان مطلب از صدای کوس وصیت ناموس و صراحت کیکاوس و از این قبیل سجع های لوس و مترادفات نامانوس آنچه می توانسته در آن آورده و هنرو فضل خود را بچشم خواننده بکشد- از اواخر دوره چنگیزیان وضع ادبیات فارسی چنین بود-

علت مهم این امر آن است که نثر فارسی در ادوار سابق برای بیان موضوع های محدودی از قبیل تاریخ و اخلاق و گاهی فلسفه و پند و بعضی از رشته های علوم بکار می رفت و در دوره اخیر بود که دامنه مقاصد نثر وسعت گرفت و مسائل

سیاسی و اجتماعی و افسانه سرائی و علوم جدید و انتقادی های اجتماعی بصورت تصریح و تعریض به میان آمد و روزنامه نویسی مامول شد و گروه خوانندگان بتدریج فراوان شدند و نویسندگان بخلاف سابق معدودی از اهل فضل را مخاطب ندانست بلکه هدف آثار خود را فهم قاطبه خوانندگان قرار داد-

قائم مقام فراهانی نخستین کسی که بضد این یا وه بانی های ادوار سابق ترك كرد- او نه فقط در ادارات دیوانی اصلاحاتی آورد بلکه اولین شخصی بود که منشآت درباری را سلیس کرد با وصف عالی در حلقه ادبی و سیاسی زود شیوه نگارش در میان همعصرانش متداول گشت - در برابر معار کنونی بازیم نوشته هایش خالی از اوصاف و تشبیهات اطناب آمیز نیست -

پس از قائم مقام ، حسین علی خان گروسی (امیر نظام) محمد حسین فروغی ، نادر میرزا ، شیخ احمد روحی ، طالبوف و زین العابدین مراغه ای این شیوه را ادامه دادند-

میرزا ملکم خان را باید به عنوان پیشنهاد واقعی نثر جدید فارسی یاد کرد - او در سال ۱۸۳۳ م چشم به جهان گشود - او با فرپنگ غربی و آخری پیدا کرده بود اولین مقصد ملکم خان

این بود که حکمرانیهای ایران را به عمل آوردن اصلاحات لازمی در ادارات کشوری و ادار کند-“ کتابچه غیبی “ که زود پس از بازگشت از اروپا نوشته بود در اصل منظورش راهنمای حکمرانیها بسوی اصلاحات دولتی بود- بعداً يك انجمن را تشکیل داده و در نتیجه آن به قسطنطیه تبعید شد و در دوران اقامتش چندین نمایش نامه ها و يك تعداد مقالات سیاسی و اجتماعی نوشت- سه تا نمایشنامه های او مشتمل بر نقشه کشی زندگی و مراسم ایرانی با مطالب سیاسی اجتماعی بود-

ملکم خان يك مقاله نگار پرزائی بود که بیشتر بر مسائل مبحثی و مهم سیاسی و اجتماعی می نوشت - شیوه نگارش وی در برابر سبکداران نثر کلاسیکی ایران بیشتر نفوذ نویسندگان اروپای قرار داشت - استدلال و یژگی عمده اش بود که برای نسل جوان به عنوان يك پدیده نوین ادبی جاذبه ای داشت - سادگی بیان آسته از بکر محتوای خوانندگان آن دوره را به جنبش در می آورد - نوشته های او نه فقط در تحریک نهضت مشروطه موثر بود بلکه برای نویسندگان جوان بعدی سبکی ساخت - پس از پیروزی مشروطه طلبان يك تعداد جوانان ، نویسندگان روشن فکران و نامه نگاران شیوه نگارش او را يك نمونه

نویسندگی موثری پنداشتند-

باطلوع افتاب جنبش مشروطه نهفت نثرنویسی فارسی  
رواج و رونق شگرفی یافت- از جمله تأثیرات این جنبش پیداشدن  
روح ملی و میل به آزادی طلبی بود- واژه ملت و مردام معنی  
واقعی پیدا کرد و دیگر فارسی نویسی دلیل بیسوادی و تازی  
نویسی گواه فضل و ادب شمرده نمی شد- نهفت بازگشت ادبی که  
در اوایل دوره قاجاریان شروع شده بود و بیشتر بازگشت به قرن  
های اولیه ادب معاصر فارسی شعار و منظوم آن فرا گرفته بود،  
میسر واقعی خود را پیدا کرد و نثر فرهنگ و تمدن و زبان ایرانی  
رونق یافت- مثایل ملی پیش آمد روزنامه نویسان برای مردم و  
کشاندن آنها به میدان مبارزه اجتماعی، مسائل سیاسی و  
اجتماعی را بازبانی ساده می نوشتند-

عبد الرحیم معروف به طالبوف (۱۹۱۰-۱۸۵۰) اولین

نوسینده بود که ایرانیان را به علوم جدید روشناس کرد- کتابها-  
یش فراگیر موضوعات گسترده اخلاقی، علمی، اجتماعی نوشته  
شده است- شهرت ادبی اش بیشتر بر کتابش مسالك المحسنين  
مبنی است به عنوان یکی از شاهکارهای ادبی آن دوره بشمارمی  
رود- چیزی که در این سفر نامه حایز اهمیت بیشتری است آن که

طالبزاده آداب و رسوم طبقات مختلف را با توجه ملاحظه می کنند  
و گاهی به وقت بسیار شرح می دهد-

زین العابدین مراغه<sup>۱۱</sup> از آن کسانی بود که خیلی زود به ار  
دوی آزادیخواهان و طرفداران اصلاحات پیوست و به بیداری  
جامعه ایرانی ورهای آنان از اسارت و ظلم و تعدی و استبداد  
دولت کنونی مبادرت کرد - کوششهای او بصورت سفر نامه به  
عنوان "سیاحت نامه ابراهیم بیگ" بوجود آمد - این کتاب بر سه  
جلد مشتمل است - سیاحت نامه درباره پسر بازرگانی از تبریز  
است که در مصر متولد شد و هما نجا نشوونما یافت - با اینکه  
درس وطن دوستی و عشق شدیدی به کشور و فرهنگ قدیمش  
از پدر خود شنیده بود، ابراهیم بیگ مطابق به وصیت پدرش  
سفری به ایران کرد - پدرش اغلب می گفت که این سرزمین مثل  
بهشتی است - ولی چون آنجا قدم گذاشت بر علیه آنکه انتظار  
داشت و فکری کرد آن کشور را پر از فساد، عسرت و ستمگری  
یافت او مثل يك وطن دوست ناامید و احساساتی با پر نشانه  
بوسیدگی، پوچی و بی عدالتی را که بر خود می کرد - در  
اوراق سفر نامه خود با تمام خشم و غضب مورد انتقاد قرار  
می داد و بیباکانه توضیح داد - در این سفر نامه نویسنده می

خواست که جامعه ایران را تصویب کرد و در همان چیزی نویسنده هم کامیاب شده است در این سفر نامه، نویسنده هر چیزی بد که در اجتماعی ایران بوده در پیش آورد-

علی اکبر دهخدا مانند همعصران دیگر نیکی از برجسته ترین و درخشانترین چهره های فرهنگی و سیاسی دوره مشروطیت و پس از اعلام مشروطیت بشمار می رود - "پختگی نویسندگی دهخدا را به ویژه نثر انتقادی در مقالات "چرند و پرند" او میتوان دید - علاوه بر آن تعدادی از مقالات او از لحاظ ساخت و به نوع ادبی میان داستان های کوتاه می ماند و رهنمون برای جمالزاده در سبک در داستانهای کوتاه "یکی بود یکی نبود" گردید - "چرند و پرند" دهخدا آئینه تمام نمای اجتماع آن دوره ایران بوده است و وقتیکه خوانندگان آن را مورد مطالعه قرار می دهند شاید از این نکته که تاریخ معتبر هر ملت در ادبیات آن زمان می باشد انحراف نمی توانند بکنند - نثر "چرند و پرند" خیلی ساده، روان، نرم و آشنا و الهام بخش است - دهخدا در آن به زبان مردم کوچه و بازار صحبت میکند و مخاطبانش همین انبوه مردم عامه هستند - علاوه بر آن او از اصلاحت، تشبیهات، استعارات، کنایات، شعرها، تکیه کلاها

وحتی دشنامه های عامیانه را بکار میرد -

از این رو کلمات اصطلاحاتی که تا زمان دهخدا را پی به نثر فارسی پیدا نکرده بود از آن پس از ادبیات فارسی مخصوصاً نثر را زیباتر و زیبا تر ساخت - بنا بر این میتوان گفت که دهخدا از جمله پیشگامان نهفت گرد آوری فرلکور (Folk-lore) یا فرپنگ مردم بوده است -

دهخدا در "چرند و پرند" با تمام دلیری و صمیمیت و صداقت بوسید طنز و تمسخر نیشدار با فساد در دستگاه های دولت و نابسامنهای اجتماع ایرانی مبارزه می کند - تصویر گار تگری و چپاول خانها و فؤدالها که بر کشا و زان ظلم روا داشتند پیش مینهد - گذشته از این درباره بیداری و تجاوز و قتل و غارت مردم بی دفاع توسط حکومت استبدادی، به آتش زدن کشتزارها و روستاها توسط سرکشان، قید و بند برای زبان و دختران عشایر، گرسنگی، بیماری، فقر و فاقه و بی سوادی و عدم بهداشتی عمومی صحبت می کند و مسئله جلوگیری از سیل و وبا و گرافی قحطی و خشکسالی و بیماری قرون و سیطایی مثلاً سرخک و آبله، افیون زدگی توده های بیخبر احتکار گندم حرف می راند - اهر مسئله را از جزئیات شروع میکند و بتدریج به مقصد می



برد و بعداً آنرا با دقت تجزیه میکند و وجه و سبب مسئله را به خوانندگان نشان می دهد - نویسندگان معروف عقیده خود را راجع به افکار دهخدا و اهمیت آثار پرارزش او مخصوصاً "چرند و پرند" چنین اظهار نموده اند - داریوش آشوری می نویسد:

"چرند و پرند عا لیترین سلسله مقاله های طنز آمیز سیاسی عصر انقلاب مشرویت ،هنوزیم بهترین نوشته های طنز آمیز سیاسی زبان فارسی است و در نوع خود در سراسر ادبیات فارسی بی نظیر" (۲) دکتر عبدالرحیم احمد می نویسد:

"در طنز دهخدا هم انگیزه خصوصی بچشم نمی خورد - انتقاد هجای درست ترین مفهوم خود را بداست می آورد ..... ریشخند و طنز ظریف دهخدا راه را بر هر زشتی بیان و کاکشتی می بندد ..... هجای دهخدا در برابر زورگویان ، صاحب قدرتان و انگل های جامعه بیرهم و رسوا کننده و جا - نشکاف است - اما طنز او در برابر مردم ، ستم دیده ها و در به درها ، سرشار از روح همدردی و مهربانی است - بروشنی می شود دید که او فقط انتقام نمی کشد بلکه آگاه هانه در کار نبردی است و بیشتر می کوشد روشن بینی و پایداری را برانگیزد -" (۳) او پر کس که مرتکب گناه و جرم می شمرد در سیر انتقاد

دېخدا قرار ميگرفت و نيز كسي بود كه "گذشت و اغماض" رانمي شناخت - علاوه بر آن دل نرم و پر درد دېخدا بر حال مردم نادار و مجبور كشوري سوخت و وضع ناگفته به مردم فقير جامعه 'روستائيان و كشاورزان فقير و بد بختيهاي شهر نشينان دېخدا را به حال بحث مي انداخت - تمام اين مطالب را در آثاروي 'ميتوان مشا هده كرد- در يكي از مقاله ها يكه در شماره در شماره صور اسرافيل " چاپ كرد اين مطالب خود را چنين اظهار كرد-

"يكي از افرار ايراني كه از قديم از يمه مشروط خواهتر بوده و از روز اول به سفارت و شاه عبدالعظيم و بعد پاي پياده پمراه آقا يان به قم رفته و از روز اول اقا يان فرنگي ماب ها به او حالي كرده اند كه مشروطي يعني عدالت ، مشروطه يعني رفع ظلم ، مشروطه يعني اسايش رعيت ، مشروطه يعني ابادي مملكت ..... همين كه انتخاب مجلس انجام مي گيرد و "وكلاي ملت" را خوب مي شناسد ، مي بيند در انتخابات و كلاي خوب جز به عظم بطن ، كلفتي گردن ، بزرگي عمامه ، بلندي ريش و زيادي اسب و كالسكه دقت نكرده اند ، مي بيند بيچاره ها خيال كرده اند كه گويا اين و كلا را مي خواهند بي مهر و عده به پلو خوري بفرستند كه با اين صفات ، قابوچي از پيكل انها حيا كنند و مهر و واقعه دعوت مطالبه

نکند!.....رع

مضامین شعر دهخدا نیز مانند مضامین نثروی همان  
مضامین کلی شعر دوره مشروطیت ایران است یعنی وطن  
پرستی، داد خواهی، مبارزه عامه خائنین وطن، آزادی خواهی  
مردم دوستی، رسوا کردن ظالمان و حاکمان جاہل و بی سواد  
بیداری و پوشیاری مردم، جمله به تعصبا عامه، مبارزه بازاید-  
نمای و زید فروشی و ریا کاری و دوروی و مضمون های نظیر آن  
- بعد از دهخدا چند نویسندگان که در ادبیات معاصر درخشا  
نترین هم هستند در این ضمن بسیار کارها را انجام داده اند- یعنی  
انهای خواشتند که مردم ایران را ز آثار خود بیدار میکنند از  
این رو هر بدی که در جامعه ایران موجود بود به آثار بیا  
داستانهای خود بیاورند و هم برای دور کردن این چند تا ترتیب در  
داستان خود هم می دهند- من می خواهم که در باره چندین که در  
آنها هستند ذکر خواهم کرد -

محمد علی جمالزاده - یکی از نویسندگان معروف و  
توانا و طرفدار نوگیرای در ایران بشمار می رود - او شاید  
نخستین نویسنده ای است که تکنیک داستان نویسی اروپای را  
آگاهانه در نوشته های خود بکار برد - در عین حال او نویسنده

ای بود که توانست "هنر باستانی داستان سرای مردمی" و "روحی ایران" را با روشنی که از غرب مستعار گرفته بود در نویسندگی خود جلا بدهد و آنرا بگذارد - شاید به همین سبب نویسنده معروف زمان پرویز ناتل خانلری جمالزاده را "پیشوا می نوول نویسی" نام داده است - "هم

جمالزاده در آثار خود بر مردم سیاستمداران، موقع پرستان و دیگران مانع راه ترقی کشور ایران هستند خیلی تنقید کرده است و هم گفته است که این روایات فرسوده، رسم و رواج، جهالت، توهمات و مذہب که يك طرح غلط اختیار کرده است این همه در راه ترقی ایران کاریک مانع می کنند و در مقدمه "یکی بود یکی نبود" نوجوان را هدایت می کند که شما باید آن هر چیزی را که در ترقی مردم ایران هست بگیرند و ایران را ترقی بدهند -

جمالزاده در چنین شرائط کتاب "یکی بود یکی نبود" را انتشار داد و بانثر این کتاب مکتب و سبک رثالیستی در ایران آغاز یافت - جمالزاده تجدد خواه و سنت شکن بوده است و این سنت شکنی در آثار وی دیده میشود - نثر تمام اثارش کلاً همان است که در "یکی بود یکی نبود" دیده می شود - یعنی نثر

داستانی او ساده و روان و خالی از تصنع است پر از واژه‌ها و ترکیب‌ها و اصطلاحات و مثلها و تکیه کلامها و حتی بسیاری موارد ساختار جمله‌ها و زبان مردم کوچه و بازار می‌باشد بعضی از نویسندگان عقیده دارند که جمالزاده نخستین کسی بود که ضرب المثلی وارد و نثر فارسی کرد و از انواع و اقسام گویشهای بهره برداشت - سه هر چند که در این شیوه نو یسندگی جمالزاده مبتکر نیست بلکه میتوان گفت که طرز تازه‌ای است که پیش او کسی مانند دهبخدا در نوشته‌های خود بکار برده است اما تازگی کار جمالزاده و نوآوری در آثار وی شاید این اصطلاحات عامیانه گرفته بود ادبیات نثر فارسی را غنی تر ساخته است - کو تاه به سبک، غریب‌ان است و بعد از او نیز در نثر داستانی صادق هدایت و صادق چوبک حیثیت ادبی آن دیده می‌شود و به عنوان یک نوع ادبی مستقل شناخته شد و برای دیگران شیوه نو یسندگی وی مورد تقلید قرار یافت گذشته از این نباید فراموش کرد که سید محمد علی جمالزاده حرف و نحو عربی و معارف عربی را در اصفهان، تهران، بیروت فرا گرفته بود و ادبیات فارسی را خودش مطالعه کرده بود - او آگاهی از قرآن و حدیث و روایات اسلامی اعتقادات مذهبی داشت و گاه گاهی در نوشته‌های خود

آنرا بطور طنز بکار برد - در داستان کوتاه "فارسی شکر است" کسانی را که به کلمات و ساختمان زبان فارسی بی اعتنائی میکنند - مورد انتقاد قرار داد - در این داستان، جمالزاده می خواهد که فرق بین يك طرز گفتگو کهنه و نورا در پیش کند و هم در این کامیاب شده و در این جمالزاده دو کردار را در پیش کرد يك استاد طرز کهنه است و دیگر يك مرد جوان که هم تعلیم نورا گرفته است - انداز بیان این گفتگو خیلی خوب است - "یکی بود یکی نبود" يك مجموعه شش داستان است و هر داستان جامعه ایران و هر ج مرچ ایران را بیان می کند - داستان "دوستی خاله خرسه" بر جنگ عظیم اول مشتمل است - و در این داستان يك مردی که در ریستوران ملازمت می کند - يك سپاه روسی را نجات دار اما وقتی که او سپاه روسی به دوست خود رفت و از مدد دوست خود، آن مردی که جان او را نجات داد، از جان بحق کرد - از این رو جمالزاده می خواهد بگوید که جنگ چطور انسان را حیوان ساخت - بهر حال جمالزاده فعالیتها ی سیاسی و اجتماعی داشت -

و در این مجموعه داستان "یکی بود یکی نبود" پنج تا دیگر داستان هست مانند "رجل سیاسی"، "دوستی خاله خرسه"

”در دلد ملا قربان علی“، ”بيله ديگ بيله چقدر“، ”ويلان الدوله“ از مسئله گوناگون را مطرح ساخته است و آنرا به شیوه مخصوص خود مورد انتقاد قرار داده است - دکتر منظر امام تفصیل ”ويلان الدوله“ را اینطور بیان می کند-

”از آن گیاه های است که فقط در خاک ایران سبز می شود و میوه ای بار می آورد که ”نخودپمه آش“ نامند ”بفت که بفت روز است او خوراک را در يك جا نه کرده و مثل پابوی چا پاری جو صبح را در این منزل و جو شاخ را در منزل دیگر“ - می خورد و سرانجام از پمه جارانده می شود و نمی داند بکجا روی آورد - پس قوطی سیگار سیاه ماه و ستاده نشان خود را پیش عطاری گذارد - به اندازه دو بند انگشت تریاک می گیرد و می خورد و در شبستان مجدار پهای خود را به زیر سر نهاده دیده بر جهان بندد“ - جمالزاده اینطور يك راه نور ایجاد کرد که نو پسندگان بعد از او این شیوه نور را می گیرند و در خدمت ایران کارهای خوبی انجام بدینند - بسیار نو سیندگان مشهور مانند صادق هدایت - صادق چوبک ، جلال آل احمد ، مسعود دیهاتی و بزرگ علوی این شیوه را گرفتند و هم می خواستند که از این توده مردم ایران را بیدار کنند - کارهای آنها در این طرف هم قابل

تعریف است و من هم می خواهم که یکی دیگر را در زیر ذکر کنم -  
صادق هدایت - صادق هدایت روز ۱۷ فوریه ۱۹۰۳ در  
تهران در يك خانواده محترمی بدنیا آمد - او یکی از بزرگترین  
نویسندگان و نثر نویسندگان معاصر ایران بشمار می رود - ذوق  
و شوق ادبی او را از ادامه تحصیل در رشته مهندسی  
بازداشت - زبان و ادبیات فرانسه را بخوبی مطالعه کرد از آن آشنا -  
بی بدست آورد - و قتی که هدایت از اروپا به ایران برگشت مشغول  
تألیف و تصنیف شد و کارنو پسندگی را که در فرانسه شروع  
کرده بود ادامه داد - دوستان هم اندیش و ادب دوست را پیدا کرد  
ولی با سه تن از آنان بیش از دیگران نشست و برخاست  
داشت - با آن سه تن جوان انجمن ادیبانه را بنام "ربعه" در قهوه  
خانه ای که واقع در خیابان لاله زار بود تشکیل داد - این سه تن  
جوان دیگر بزرگ علوی و مسعود فرزاده و مجیب مینوی بودند  
- در زمینه فرهنگ و اجتماعی و مخصوصاً در ادبیات فارسی  
نظریات و دیدگاه تازه ای را مطرح می کردند - از میان ایشان دو  
تن یعنی مسعود فرزاد و مجیب مینوی به راه تحقیق و تألیف و  
تدریس رفتند و صادق هدایت و بزرگ علوی داستان نویسی را  
برای خود منتخب کردند و بنا استعداء خود شهرتی عمده بدست



آوردند - صادق هدایت هم‌عصر جمالزاده بود - جمالزاده را هم ابوالآباء داستان نویسی میگویند ولی داستان جمالزاده در میان ایران یا کردار ایرانی محدود است اما داستان صادق هدایت يك کردار جهانی دارد - از این رو صادق هدایت در سراسر جهان مخصوصاً در جهانی غرب شهرت زیادی گرفته - يك مفکر غربی در باره صادق هدایت اینطور می گوید:

”کنجکاوی دامنه داری درباره مردم اشیاء قدرت مشاهده، محیله مستعد حتی آماده برای تخیلات عجیب، مطالعات وسیع فارسی و اروپایی حساسیت دقیق هنری، استعداد عظیمی در پرداختن داستانها و تسلط کاملی در زبان مجموعه این چیزها کافی است که مشخصات استثنائی و جالبی با اشاره می بخشد - ۲۸

صادق هدایت چون استاد زبان فارسی بود بخوبی می دانست که زبان ادبی تنها با استفاده و بکار بردن منابع گفتگو می عامیانه غنیتر می شود که بزرگان پیش نیز این کار را انجام داده اند - بنا بر این لفات فراوانی انتخاب کرد و آنها را هنرمندانه در داستانهای خود بررسی کرد ارسازی بکار برد - بنا به قول پرویز نائل خانلری :

”آثار صادق هدایت معدن اصطلاحات و کنایات و امثال و استعارات زنده و زیبا نیست که از زبان اکثریت ملت گرفته شده است - به این سبب به جرأت می توان گفت که صادق هدایت زبان شیرین فارسی را زبان شیرین فارسی را غنا و تنوعی بخشیده که تا کنون نظیر نداشته است-“<sup>۹</sup>

گذشته از این صادق هدایت علاقه بسیار به فولکلور داشته است که هر نو آوریهای او در زمینه ادبیات دلالت میکند- او ترانه های محلی را گرد آورده کرد و بانام ”روسانه“ بچاپ رسانید و مقالاتی راجع به آداب و رسوم عامه و سحر و جادو گری ایرانی را بوسیله فولکلوریک نوشت و بترتیب تهت عنوان ”فولکلوریا فرپنگ توده مردم“ و ”نیرنگستان“ چاپ کرد-

پُر چند که نوشته های این نابغه بزرگ ”نیمه ایرانی و نیمه اروپای“ چندان زیادی نیست و از تعداد ”بیست و شش“ کتاب ”تجاوز نمی کند- ولی پر قدری که نوشته است از لحاظ وسعت و تنوع و موضوع قابل ملاحظه ای گوناگون هست تمام نوشته های وی را میتوان در چند موضوع طبقه بندی کرد- مانند داستانهای ”زنده بگور“ (۱۳۰۹ ش / ۱۹۳۰ م)، ”سه قطره خون“ (۱۳۱۱ ش / ۱۹۳۲ م)، ”سایه روشن“

(۱۹۳۳م) "سگ لگرد" (۱۳۲۲ هـ ش)، که هر يك چند داستان کوتاه است - "علوه خانم" (۱۳۱۲ هـ ش) "ولنگاری" (۱۳۲۳ هـ ش)، "بوف کور" و "حاجی آقا" (۱۳۲۴ هـ ش) و غیره که هر يك داستان واحدی است - نمایشنامه ها هم نوشته است - صادق هدایت برای شیوه مخصوص نویسندگی خود خیلی چیزهای پرارزش از نو نویسندگان خارجی گرفت ولی باز هم پیچ وقت تقلید کور کورانه از ایشان نکرد - دريك داستان کوتاه او که نامش "داش آکل" است اینطور می نویسد که داش آکل مردی که صورت بدی دارد و او يك دختری که چهارده سال دارد پرورش می کند و هم دردل خود برای آن دختر محبت پیدا کرد ولی او به آن دختر درباره این ذکر نه کرد و در آخر دختر آن را به يك مرد که در مقابل صورت داش آکل بدتر است ازدواج داد - و جان خود را اینطور را دريك کشتی که داش آکل تا امروز شکست ننخورد، امروز شکست خورد و از جان خود بحق شده این داستان ختم شد - صادق هدایت در این داستان می خواهد که بدی ایران را در پیش کرد -

اگر آثار صادق هدایت را مخصوصاً داستان کوتاه

فارسی مورد مطالعه قرار بدهد میتواند دید که او مواردی های

موضوع برائے داستان های خود از گروه های عقبمانده و طبقه پائین جامعه معاصر ایران پیدا کرده است عقبمانده ترین و ساده ترین افراد جامعه که در بعضی از آثار ادیبان و نویسندگان ایرانی جاندا شدند در نوشته های صادق هدایت هدایت مقامی برای خود یافتند - صادق هدایت در باره مسایل افراد از طبقه متوسط نیز مطرح کرده است ولی اکثر و بیشتر اشخاص و کردار های برجسته داستان های وی از طبقه پایین می آیند - از اینرو اغلب داستانهای وی از همین طبقه عقبمانده هستند - "داش آکل" "قهر مان مردی" "کاکارستم"، "لاف زن حيله باز"، "گل ببوی"، "قاطرچی"، "زرین کلاه که آرزویش مردی بود"، "میرزا یدالله"، "مشتی شباز"، "حاجی مردا"، "علویه خانم" "آقا ماچول"، "عصمت سادات"، "بی بی خانم" و غیره نمونه های همچنین کردار هستند - در این داستانهای خود مسئله های گوناگون و تکان آورد بیدار کننده را با خوانندگان مطرح ساخته است که دلالت بر نوگیری رو میکند -

صادق هدایت در مجموعه داستانهای "زنده بگور" "سه قطره خون"، "سایه روشن"، "سگ مگرد" و غیره به وصف و نمایش نمونه های گوناگون توده مردم ایران پرداخته

است و عکس اکثریت ملت ایران را گرفته است - در این داستانهای خود مسئله های گوناگون و تکان آورده بیدار کننده را با خوانندگان مطرح ساخته است که دلالت بر نوگرایی او میکند -

تعیین حقوق و منزلت زنان در جامعه ایران یکی از موضوعهای میباشد که صادق هدایت در داستان خود مطرح کرده است - قدر و منزلت و مقام شایسته زنان در جامعه ایرانی آن دوره نادید قرار می گرفت - تعدادی از نویسندگان برای آن مبارزه می کرد - صادق هدایت یکی از آن مبارزین و طرفداران حقوق و احترام زنان بود که مسئله های گوناگون سر بوط را در آورد و توجه توده مردم و خوانندگان را بسوی آن مسائل مانند ازدواج بی میل، حلاله و طلاق بدون تقصیری آنان و سرگردانی زنان و غیره جلب نموده است و توسط کردار های داستانیهای عرضه کرده است -

بزرگ علوی یکی از برجسته ترین نویسندگان بزرگ ایران در دوره رضا شاه، در سال ۱۲۸۲ هـ ش / ۱۹۰۷ م به جهان گشود - او همراه با پدرش سید ابوالحسن که یکی از روشنفکران و مشروطه خواهان بود سفری به فرنگ کرد و هما نجا یعنی در برلین تحصیلات خود را به پایان رسانید - پس از برگشت به ایران

با گروه غیر قانونی مارکسستی که تحت رهبری دکتر تقی ایرانی  
کار می کرد، پیوست - علوی یکی از بنیان گزاران حزب توده بوده  
است - فعالیت های اجتماعی، سیاسی و ادبی اش با خط مشی این  
حزب بستگی داشته است -

علوی از زمان نویسندگی اش شهرت زیاد کسب کرده  
است - آثار برجسته اش عبارتند چهار مجموعه داستان  
”چمدان“ (۱۹۳۴ م)، ”ورق پاره های زندان“ (۱۹۸۱ م)، ”نامه  
ها“ (۱۹۵۲ م) ”مرزا و کتابی بنام پنجاه و سه نفر نوشت که در آن  
پیش آمد های که طی ایام مجلس رخ داده بود ذکر شده کرد - یک  
رمان چشمها یش که خیلی معروف است نوشت -

بزرگ علوی در مجموعه ”نامه ها“ توجه زیادی به جنبه  
های مختلف زندگی ایرانیان معاصر همراه با انتقاد شدیدی از دیو  
السالاری رشوه خواری و به عدالت های اجتماعی پرداخته  
است - عقیده او آمیخته به تبلیغات جناح چپ در آن هویدا است -

در سال ۱۹۳۷ علوی با دیگر پنجاه دو نفر این گروه غیر  
قانونی، مارکسستی دستگیر شده تا به اشغال متحدین در ماه اوت  
سال ۱۹۴۱ در زندان بود - و از این اینرو علوی قبل از نوشتن  
”نامه ها“ دو اثر معروف در ایام زندانی خود نوشته است که

نمایگر عقیده او می باشد - یکی ورق پاره پای زندان که سر نوشته چندین نفر زندانیان زمانه خود اوست و دوباره اعضای گروه سوسیالیست در سال ۱۳۲۱ هـ ش کتاب دومی تحت عنوان "پنجاه و سه نفر" نوشت که با عقیده پیروزی ایده سو-سیالیستی نوشته است - رمان "چشمهایش" نیز یکی سرمایه های گرانهای اوست - در حالیکه او کتابی زیادی ننوست باز هم کتابهای که نوشته است برای درک کردن افکار او و مسئله پای معاصر ایران منبع گرانهای میباشد -

نویسنده در شناخت او حیات و خصلت پای زن استاد است اصولاً فرق عمده ای که بزرگ علوی با صادق هدایت و بعضی از نویسندگان دیگر از جمله جلال آل احمد و غلام حسین ساعدی و غیر آن دارد توجه عمیق او به مسائل غنایی و عاشقانه است - زن درداستانهای علوی چهره راستین و واقعی و بی پاله ای دارد و بعد پای شخصیتی او شیرینی و کام دهی، شور انگیز و دلربائی و مهرورزی، زیرکی در عین حال تلخی فتنه گری و آزار رسانی و بی وفائی و سنگ دلی و پو سرانی او، درداستانهای علوی به بهترین صورت ترسیم و تصویر شده است - زن محبوب زن منفور، زن سلیطه، زن پوسباز، زن معصوم، زن

من فکر، باشخصیت و فدکار در چهرهای گوناگون خود در آثار داستانی علوی جلوه طبیعی و واقعی و راستین دارد عبارات او روان و ساده و بی تکلف است - "چمدان" یک داستان کوتاه اوست که این سه کردار دارد به یک مرد جوان که بی روزگار هست و دیگر پدر او، مرد ثروتمند و کردار سوم یک زن که تو شکا - این مرد جوان که تو شکا را خیلی دوست می دارد و هم می خواهد ازدواج بکند ولی که تو شکامی خواهد که او با آن مرد ازدواج بکند که برای او سامان آرام و آسایش مهیه کند -

یکی از کردارهای داستانهای کوتاه "چمدان" در پنهانی

خود را چنین بیان می نماید :

".....تو که از زندگی من خبرداری به شمار

مردمان مخصوصی هستید - من خوب می دانم که تو همیشه مرا

دوست نخواهی داشت ..... من به آرزوی خودم رسیده ام -

زندگانی من بهدر نرفته است ..... تو که نمی توانی شوهر من

شوی، تو چطور می توانی عمری با من بسربری؟..... من

باید بالا آخره زندگی بکنم - باید شوهر کنم ..... حالا مطلب را

فهمیدم - شاید اگر که تو شکا خودش می توانست و عوامل دیگر

او را مجبور نمی کردند، با من زندگی میکرد بدون اینکه زن من



بشود - حالا نه پدر و نه مادر، هیچ کس او را مجبور نمی کرد اما یک دیو منحوس مندرس مهیب، پول، جامعه، محیط او را مجبور میکرد که برود خودش را بفروشد، برای یک عمر بفروشد.....“

بزرگ علوی اوضاع کشور را مورد انتقاد قرار داد ولی هیچ وقت وطن عزیز را کمتر از کشور های دیگر نمی شمرد و همیشه میخواست که درد پا و زخمها عمیق ایرانیان نابود شود -

صادق چوبک :- صادق چوبک در سال ۱۹۱۶ میلادی در یک شهر بو بدنیا آمد - پس از تعلیم ابتدایی در شیراز به دانشکده امریکائی در تهران پذیرش یافت و در سال ۱۹۳۷ امسانس تمام کرد - او تحت حمایت دو ستش صادق هدایت در میدان نویسنده گی قدم گذاشت - او دوران زندگی خود سفر های به امریکا، روسیه، و انگلستان کرد و بالاخره در امریکا برای همیشه اقامت گزید - صادق چوبک با وجودیکه ”خلوت گزین و مردم گریز بود“ مطالعات او را جع به ادبیات جدید جهان خیلی زیاد بود که انعکاس افکار جدید در آثار او خیلی زیاد دیده می شود -

اکثر و بیشتر تعدادان فارسی و ادبیات صادق چوبک را از حیث نویسنده ای نا تو رالیست ( Naturalist ) معرفی کرده

اند، می‌گویند که صادق هدایت اورابه داستان نویسی تشویق نموده بود نویسندگان متجدد امریکای مانند همینگوی، فوکنر، هنری جیمس در نویسندگی او نفوذ کرده بودند - درست است که صادق چوبک به صادق هدایت علاقه زیادی داشته بود نویسندگان امریکایی را بسیار مطالعه کرده بود لیکن او هیچوقت تقلید کورکورانه از ایشان نکرد - بلکه صادق چوبک بخوبی می‌دانست که داستانها و نمایشها با چطور باید باشد و چه موضوعها در چه شکل باید اظهار گردد - بنا بر این رمان و نمایشنامه را شکل تازه ای بحشید و بشیوه مخصوصی نوشت -

صادق چوبک در تمام داستانهایش برای پیدا کردن قهرمانها یه پست ترین طبقه اجتماع می‌رود ولی آنجا هم با منظره های جای عمومی و عادی راضی نیست چرکه چشمهایش تیز و بازیک بینش فقط زشت ترین و زنده ترین سایه های زندگی را اخذ می‌کند - صادق چوبک نخستین مجموعه یازده داستان کو تاه را تحت عنوان "خیمه شب بازی" (۱۹۴۵ م) بچاپ رسانید و در میان نویسندگان پرکار، تصویر کشان مقام ارجمندی را بدست آورد - پس از آن یکی پس از دیگری سه مجموعه به عنوان "انتری که لو طیش مرده بود" (۵۱۳۲۸ ش / ۱۹۵۰ م)، "روزاول"

فبر“ (۱۳۴۴ ش) و، ”چراغ آخر“ (۱۳۴۴ ش) از چاپ بیرون آمدند - علاوه بر آن دو رمان معروف ”تنگسیر“، ”سنگ صبور“ (۱۳۴۵ ش) چاپ کرد و آثار دیگر از ترجمه پا به یادگار خود گذاشت - صادق چوبک در پر داستان پا و نما یثنامه پایا درامه پا می خواست که پریشانی و مجبوری مردم عامه ایران در پیش کرد - از اینرو يك درامه او ”توپ لا شیکی“ که خیلی مشهور شده بود را نوشت - در این درامه صادق چوبک، بے نصیبی، پراسانی، خوف و مردم که بریک دیگر اعتمادی کم داشتند از نظر طنز و مزاج پیش کرده است - در این داستان درامائی يك کردار مردی جوان که نامش خسرو است - آن مرد از این زندگی که پر از خوف، شك، شبهه سخت بیزار شده است به پدر خود می گوید:-

”از سر تا ته پمتون يك مشمت اسیر و بد بخت مثل کرم تو هم دول می زنید و از همد یگر گیری ترسید، تو سر تو نم که منیز تن صدا تو در نمی آر، این شد زندگی؟ مرگ به از این زندگی“ (۱۲) شرافت مدار

و دريك جای دیگر بر پدر خود اینطور طنز می کند: ”این بابائی من، يك عمر از سایه خودش می ترسید، از زیش آب

خوروں می خوااس، نیم ساعت فکر میکروچه طورش بش  
بگه“ (۱۳)

صادق چوبك يك چیزی كو چك را اینطور بیان می کند  
که معلوم میشد که این در خودش يك عمیقی دارد - يك داستان  
دیگر ”انتری که لو طیش مرده است“ در سراسر جهان شهرت  
یافته و هم به زبان دیگر مانند فرانسه، روسه آلمانی ترجمه شده  
است - این هم يك فلمی است - این داستان فقط دو تا کردار دارد  
- يك ”مخمل“ که يك میمون است و دیگر مالك او ”لوطی“ -

روزی که میمون در صبح از خواب بیدار شد و دید که  
مالك او مرده شده است - از اینرو میمون خیلی خوش باشد که  
من حالا آزاد شده هستم و خود را از زنجیر جدا کرد و روز آن  
خیلی دلسوزی کند ولی آن وقت که تاریك شب آغاز شده، او  
پریشان می شود و به آن مردی (مالك) که مرده شده است به آید  
و فکر می کند که این زنجیر ورثه آقا است و از اینرو چطور ممکن  
است که از این نجات می یافتم - صادق چوبك در این داستان به  
طرف ناگزیر اسیری اجتماع نشان داده است - وی خواهد بگوید  
که حیوان هم صلاحیت محبت دارد - احساس محبت حیوان را هم  
می بندد - صادق چوبك در این داستان می خواهد بگوید که هیچ

کس از اجتماع خود کاملاً آزاد نیست - باید گفت که داستانهای کوتاه چوبک در میان داستانهای با ارزش رئالیستی که طی سالهای اخیر با الهام از محیط ایران و زندگی واقعی ایرانی نوشته شده - اودر آثار خود به زندگی مردم محروم و طبقه عوام و نمونه های از اکثریت افرادی که جامعه ایرانی تشکیل می دهند، صمیمانه توجه دارد و قهرمانان داستانهای خود را بیشتر، از میان افراد عامی که مشخصه ی از طبقه خود هستند و یارخساره خاص انسانی دارند نظیر "خدیجه" در "گورکن ها" یا "عروسک فروش" انتخاب می کند و نه تنها محیط مفلوک و فضای عفن زندگی آنان را با کلمات و تعبرها و تصویرهای خاص خود، بی هیچ تکلفی مجسم می سازد - (۱۲۴)

محمد مسعود دیهاتی :- محمد مسعود می شود گمان برد، از خانواده عادی بود و روزهای خرد سالگیش را در شهرکو چکی استانی گذراند - در آوایل سن بیست سالگی تهران آمد و به مدرسه ابتدائی معلم شد - در این زمان چندین مقاله ادبی و عمومی برای روزنامه های مختلف نوشت که برایش هیچ رفیقیت بدست نیاورد تا این که "تفریحات شب" را با اسم قلمی ایم دیهاتی در روزنامه شفق سرخ چاپ کرد - این يك وزیر کا بینه ای

به استعداد و چیره‌دستی نویسنده جوان مجذوب شده ویرا برای تحصیل روزنامه نگاری به خرج دولت به اروپا فرستاد-

مسعود دیهاتی در سال ۱۹۴۱ پس از انقراض رضا شاه و استقرار آزادی مطبوعات، هفت روزه پرسرو صدای رابنم "مرد امروز" چاپ کردن گرفت که ندودی تیراز گسترده‌ای را بدست آورد- سرمقاله‌های زننده اش حتی امیزکه به هیچ جای مخصوصی متعلق نبود و هرکسی را که قدری در امور دولتی نفوذی داشت دریغ نمی‌گذاشت موجب تحسین گسترده‌ای میان توده مردم گردید که می‌دیدند با تازیانه زبانش انتقام شان جسته می‌شود همزمان يك تعداد مخالفین مقتدد و کینه جو نیز برایش فراهم آورد- در نتیجه محمد مسعود دیهاتی در سال ۱۹۴۷ بقتل رسید و قاتلش هیچ وقت کشف و دستگیر نشد-

در دسته سه تائی کتابش "تفریحات شب" (۱۹۳۲م)، "در تلاش و معاش" (۱۹۳۲م) "اشرف المخلوقات" ۱۹۳۴م وی افسرده پرید می‌آید- عبارت تهوع آور بدبینی و ثمردم‌گریزی با لخصوص متعلق به انحطاط اخلاقی بزبانی ترکیب شده است که گاهی سان جیغ و ناله نفری بعداً درمی‌آید مثل اینکه در شکنجه جان می‌کند-

شخصیتهای رمان يك تعداد رفقاء 'مدرسه ای هستند که به سببی نتوانستند تحصیلات خود را ادامه دهند و برای زندگی کردن تلاش می کنند - ایشان اوقات روز را به محل کارشان اداره ها و کارخانه ها تلف می کنند و در شب از يك با مشروب فروشی تا به دیگری پر سر می زنند و بعدست شده در پی زنی می افتند و بالا خره در فاحشه خانه ای پناه می برند - ایشان هیچ وقت امیر و آرزو و نیز مخطور اخلاقی ندارند - ایشان فر آورده اجتماع شان اند اجتماع که با تمام بغض و کینه توصیف شده است - این رقیقان در اثر پرزگی شان نه فقط از امراض مختلف مقاربتی رنج می برند بلکه طوریکه نویسنده می بیند ،هما نگونه تمام جسم ملت درد می کشد - مردم از پر شئون زندگی دروغ گو ، کلاه بردار و بزفکار اندوی خواهند نسبت به حق دیگر دستبرد و زنند ، پول برپمه غالب است -

در سال ۱۹۴۱ وقتیکه فعالیت های ادبی را از سر گرفت مسعود چندید کتاب جدید را بچاپ رسانید که برجسته ترین شان "گل های که در جهنم می رود" ۱۹۴۲ م و بهار عمر است - در این کتاب ها طوریکه می بینم وی يك نویسنده چیره دست ، سر رسیده و کامل پدید می آید که مسائل اجتماعی با تمام بصیرت و

حقیقت گرایى رسیدگی کرده است - داستان بصورت  
خوزپستنامه ای است: يك دانشجو ایرانی با تکمیل درس خود ارو  
پا به ایران برمی گردد دو تا چا کرى پیدا کرده نامزاد اروپايش را  
آورده زندگی کند - ولى پس از دلشکستگی ها و ناامید های پیاپی  
دشواریهای پیش بینی نشده بالا آخره آن دخترمی نویسد و  
توجیح می دهد که چطور فسار حالات نا مساعد مجبور است  
اورا واگذار کند و داستان براین تمام می شود که آن  
پسر در اثر بدبینی و ناکامی و آن دختر در غم جدائی با نامزدش  
انتخارمی کند -



## ضمیمه

- ۱- هرمز رهیمنیان: آشنای با ادبیات معاصر ایران (دانشگاه پیام نور ۱۳۷۳ هـ ش) ص ۶۶
- ۲- چرند و پرند دهخدا و مقام آن در طنز نویسی فارسی، بررسی کتاب، شماره ۱- تهران ۱۳۴۴
- ۳- انتقاد کتاب (انتشارات نیل-تهران) شماره ۳ - بهمن اسفند ۱۳۳۴ هـ ش، ص ۹۰۱
- ۴- سوره اسرافیل: شماره ۲۲- ۱۳۳۵ هـ ش
- ۵- دکتر پرویز ناتل خانلری- نخستین کنگره نویسندگان ایران (تهران ۱۳۳۵) ص ۱۵۶
- ۶- یعقوب آژند: ادبیات نوین ایران، ص- ۱۱۲
- ۷- دکتر منظر امام: ادبیات جدید ایران (۱۹۹۶ م کتادستان، مظفر پور) ص ۲۲۹
- ۸- دکتر منظر امام: ادبیات جدید ایران (۱۹۹۶ م کتادستان، مظفر پور) ص ۲۳۴
- ۹- دکتر پرویز ناتل خانلری: مرگ صادق هدایت، یغما، سال

چہارم، شماره ۳، خرداد ۱۳۳۰۔ ص ۱۱۳

۱۰۔ مجموعہ ”چمدان“ (امیر کبیر تہران) ص ۵۰۶

۱۱۔ H.Kamshad, Modern Persian Prose

literature, (Cambridge University press, 1966) p 127

۱۲۔ رضیہ اکبر: ایران میں فارسی ادب کے پچاس

سال (۱۹۵۰-۱۹۰۰) ص ۱۵۹

۱۳۔ رضیہ اکبر: ایران میں فارسی ادب کے پچاس

سال (۱۹۵۰-۱۹۰۰) ص ۱۵۹

۱۴۔ علی اکبر کسمائی: نویسندگان پیشگام، در داستان نویسی

امروز ایران ۱۳۴۳ھ ش، ص ۱۳۹

نتیجہ گیری

ایرانیان از دوره باستانی این عقیده داشتند که پادشاه نیروی خدائی دارد و ماباید او را احترام کنیم و ایشان آنطوری هم فکری کردند که پادشاه خدای دیگر است و این عقیده تا آغاز دوره قاجار رواج داشت. ولی در زمان قاجار، ایران در تماس با اروپا باشد و از ادبیات و فرهنگ و اجتماع اروپا اندکی تأثیرات متأثر شد.

ناصرالدینشاه نخستین بار به سفر اروپا رفت. این مسافرت او را بر آن داشت که از چشم خود پیشرفت های مادی و علمی آنسوی جهان را مشاهده کند. او واقعی خواست که ایران هم چنین ترقی بکند و تجدد را پیش بگیرد. قبل از آن که ناصرالدینشاه اروپا را بازدید کرد، عباس میرزا از پیشرفت های که در اروپا قرار گرفته بود آگاهی کامل بدست آورده بود. اوضاع دیگر گونی اجتماعی و فرهنگی اروپا را خوب درک کرده بود. خوشبختانه او همکاری مثل قائم مقام فراهانی هم داشت. عباس میرزا و قائم مقام فراهانی نخستین مردان بودند که کوشش در راه بیداری و نوسازی و نوخواهی آغاز کردند. ایشان فکر

می‌کردند که برای ترقی ایران باید آموزش و دانش نو اروپا را به طرح انداخت. اینطور حکومت ایران چند دانشجویان را برای تحصیلات به اروپا فرستاد و یک روشن فکر که نامش امیر کبیر بود برای این کار "دارالفنون" را تأسیس کرد و هم معلمین برای این فرهنگستان تعلیمی از اروپا آورد که در بیداری ایرانیان و فهمیدن جامعهٔ اروپائی کارهای خیلی خوب کرده است.

صالح شیرازی یکی از آن دانشجویان بود که برای تحصیلات به اروپا رفت و هم نخستین مردی بود که روزنامهٔ فارسی در تهران در سال ۱۲۵۲ هـ ق / ۱۸۳۶ م منتشر کرد. تشکیل چاپخانه در ایران یک نهضت برپا کرد. چون که این یک منبع بود که در بیدار کردن تودهٔ مردم ایران خیلی کمک کرد و بسیار روزنامه‌ها در ایران و در خارج چاپ کرد. این منبع ای در رساندن فکر و خیال خود یا مسائل عامهٔ مردم دریچه ای تازه را باز کرد. و از اینرو روشن‌فکران، نویسندگان و شاعران فکرمی کردند که باید زبان فارسی را به طرز اروپا بسازیم چون این یعنی بدون زبان بازارها و کوچه‌ها این ناممکن است که توده مردم عامهٔ را بیدار بکنند. اینطور در ادبیات فارسی تحولاتی بزرگ بوجود آمد. نویسندگان، این دوره، بطور مجموع زبان عامهٔ مردم را در

ادبیات پیاده کردند و حق ایشان می نوشتند و انتشار می دادند.  
چنانچه حق، عدالت و آزادی از اروپا مستعار گرفتند و برای  
داشتن این جدوجهد کردند و هم کامران گشتند.  
اینطوری من به این نتیجه رسیده ام که اگر ایران در  
اثر اروپا نیامده بود، امروز آنقدر پیشرفت نمی کرد. هر تحولاتی  
که در دوره قاجاریه بوجود آمد وابستگی با اروپا دارد.

کتابنامہ

- ۱- آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران چاپ سوم تهران ۱۳۴۸
- ۲- آدمیت، فریدون: فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت تهران ۱۳۴۰
- ۳- آدمیت، فریدون: ایدولوژی نهضت مشروطیت ایران تهران ۱۳۳۵
- ۴- آدمیت، فریدون: اندیشه ترقی و حکومت قانون تهران ۱۳۵۱
- ۵- آراین پور، یحیی: از صبا تا نیما، ۲ جلد، کتبهای جیبی ۱۳۵۰
- ۶- آژند، یعقوب: ادبیات نوین ایران، چاپخانه سپهر تهران ۱۳۶۳
- ۷- آل احمد، جلال: غربزدگی، چاپ سوم، انتشارات فردوس ۱۳۷۵
- ۹- آل احمد، جلال: در خدمت و خیانت روشنفکران رواق ۱۳۵۷
- ۱۰- اقبال، عباس: تاریخ مفصل مشروطیت غزل ۱۳۶۱
- ۱۱- انگار، حامد: نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، تهران ۱۳۵۶
- ۱۲- اوژن اوین: ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی تهران
- ۱۳- ایرج افشار: نثر فارسی معاصر تهران ۱۳۴۸
- ۱۴- براهنی، رضا: قصه نویسی انتشارات اشرافی ۱۳۴۸
- ۱۵- بهار، محمد تقی: سبک شناسی، انتشار امیرکبیر تهران ۱۳۷۰
- ۱۶- پرفسور پیتر آوری: تاریخ معاصر ایران، ترجمه رفیعی مهربادی، عطای تهران
- ۱۷- تیموری، ابراهیم: عصر بیخبری تهران ۱۳۳۲
- ۱۸- حسن عابدینی: صد سال داستان نویسی در ایران تهران ۱۳۶۹
- ۱۹- حقوقی، محمد: ادبیت معاصر ایران، کتاب درسی آموزش تهران ۱۳۵۶
- ۲۰- حبیب لاجوردی: اتحادیه های کاریگری و خود کامگی در ایران، نثر نو تهران ۱۳۶۹



- ۲۱- دانشور علوی، نورالله: تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری تهران ۱۳۳۵
- ۲۲- دکتر احمد کریمی حکاک: سرچشم های داستان کوتاه فارسی، ادبیات ایران تهران ۱۳۶۶
- ۲۳- دکتر تواج رهنما: داستان نویسان امروز ایران، انتشارات توس تهران ۱۳۶۳
- ۲۴- دکتر رضیه اکبر: ایران میں جدید فارسی ادب کے پچاس سال (۱۹۵۰-۱۹۰۰) حیدرآباد ۱۹۹۱ م
- ۲۵- دکتر محمد جعفر یا حقی: چون سبوی تشنه، ادبیات معاصر ایران، چاپ نیل ۱۳۷۵
- ۲۶- دکتر عیسی صدیق: سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین تهران ۱۳۳۲
- ۲۷- دکتر غلام رضا و اهرام: تاریخ سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار تهران ۱۳۶۹
- ۲۸- دکتر فرشته نورای: تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله نروس تهران ۱۳۵۲
- ۲۹- دکتر محمد استعلامی: بررسی ادبیات امروز ایران تهران ۱۳۵۲
- ۳۰- دکتر محمد تقی علی عابدی: جدید فارسی شاعری نامی پریس لکهنؤ ۱۹۸۸ م مظفر پور ۱۹۹۶ م
- ۳۱- دکتر منظر امام: ادبیات جدید ایران مظفر پور ۱۹۹۹ م
- ۳۲- دکتر منظر امام: حصه نثر- مظفر پور ۱۹۹۶-۹۷ م
- ۳۳- دکتر عین الحسن: ستونهای شعر نو تهران ۱۳۶۸
- ۳۴- دکتر محمد مهدی ملکزاده: تایخ انقلاب مشروطیت ایران تهران ۱۳۴۵
- ۳۵- ذاکر حسین، عبد الرحیم: مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت تهران ۱۳۶۸
- ۳۶- رهیمنان، هرمز: آشنای با ادبیات معاصر ایران تهران ۱۳۴۵

- ۳۷- سعید نفیسی: شاپکارهای نثر فارسی معاصر، جلد ۲، معرفت تهران
- ۳۸- شمیم، علی اصغر: ایران در دور سلطنت قاجار، ابن سینا تهران  
۱۳۷۱
- ۳۹- طالبوف، عبد الرحیم: کتاب احمد مومنی تهران ۱۳۴۶
- ۴۰- عبد الحمید کامبخش: نظری به جنبش کمیونیستی و کارگیری در ایران، جلد  
۲،
- توده استانبول ۱۳۵۱
- ۴۱- عبدالعلی دست غیب: گرایشهای متضاد در ادبیات معاصر ایران،  
موسسه مجید تهران ۱۳۷۱
- ۴۲- عبدالهادی حائری: تشیع و مشروطیت در ایران، امیرکبیر تهران  
۱۳۶۴
- ۴۳- علی اکبر ولایتی: مقدمه فکری نهضت مشروطیت، دفتر فرهنگ  
اسلامی ۱۳۶۸
- ۴۴- عبدالله انصاری: تاریخ کامل ایران اقبال  
۱۳۷۲
- ۴۵- قائم مقام، جهانگیر: قائم مقام در جهان ادب و سیاست تهران  
۱۳۳۰
- ۴۶- کسروی تبریزی، احمد: تاریخ مشروط ایران تهران  
۱۳۳۰
- ۴۷- کسمای، علی اکبر: نویسندگان پیشگان در داستان نویسی امروز ایران  
تهران ۱۳۶۳
- ۴۸- کاظم انصاری (ترجمه): انقلاب مشروطیت تهران  
۱۳۰۴

- ۴۹- محمود طلوعی: داستان انقلاب، چاپخانه مہارت تهران ۱۳۷۳
- ۵۰- م- علیزادہ: مسائل ادبیات نوین ایران تهران ۱۳۵۴
- ۵۱- محیط طباطبائی، محمد: میرزا ملکم خان، مجموعه آثار میرزا ملکم خان تهران ۱۳۲۷
- ۵۲- محمد علی اسلامی ندوشن: بہ دنبال سایہ ہمای از انتشارات مجلہ یغما
- ۵۳- محمد علی اسلامی ندوشن: اوہا وایماہا، مجلہ های یغما و نگین ۱۳۷۰
- ۵۴- مکی حسین: زندگانی میرزا تقی خان امیرکبیر تهران ۱۳۳۷
- ۵۵- محمد زادہ صدیق، حسین: مسائل نوین ایران، دنیا تهران ۱۳۵۴
- ۵۶- مراغہ ای، زین العابدین: سیاحت نامہ ابراہیم بیگ قسطنطنیہ ۱۳۷۷
- ۵۷- ناظم الاسلام کرمانی، محمد: تاریخ بیداری ایرانیان تهران ۱۳۴۹
- ۵۸- ذبیح اللہ صفا: تاریخ ادبیات در ایران تهران ۱۳۵۲

1. Amin Banani ; The modernization of Iran(1921-41) : Standford 1961.
2. A.k. Lambton ; Islamic society in Persia : London. 1954
3. A.k. Lambton ; The Impact of west on Persia : 1957.
4. Arther C.Millspaugh ; Americans in Persia : Washington,1946.
5. A.M.Moulvi ; Modern Iran : bombai, 1938.
6. E.G.Browne ; A brief narrative of recent events in Persia: London, 1909.
- 7.E.G.Browne ; Persian Revolution of 1905-1909: Cambridge,1910.
8. E.G.Browne ; Literary history of Persia, Vol 4. Cambridge University Press,Cambridge,1953.
9. E.Groseclose; Introduction to Iran: new York,1947.
10. George Lenczowski; "The communist movement in Iran" in middle east journal no.1,1947.
11. Hafiz Farman Farmain; The fall of the Qajar Dynasty: George town University, 1957.
12. H.Kamshad; Modern Persian Prose Literature: Cambridge University Press,1966.
13. Joseph.M.Upton;The history of modern Iran an nterpretation: Cambridge University Press,1960.
14. Lester.A.Lee; the reforms of Reza Shah: 1925-41,Standford

university Standford,callifornia,1950.

15. L.P.Elwell-Sutton;Modern Iran 1941.

16. Mohammad Iqbal; Iran: Madras ,1946.

17.Sir John Malcom; The History of Persia 2 Vols: London,1815.

18. Seper Zabih ; The communist movement in Iran:University of California Press,Berkeley,1966.

19. S.N.Fatemi; Diplomatic history of Persia1917-23 : Anglo Russian power politics in Iran,New York 1952.

20. Verakubickova; "Persian Literature and the 20th century" in the history of Iranian Literature(ed)Jan Rypka,dordrescht.1969

21. wiliam Hass; Iran:Colombia university Press New York,1946.

22. Wilber Donald; Iran Past and Present: Princeton,1866.,

23.Yahya Armanjani; Iran englewood cliwfs New Jersy,1972.

**"STUDIES ON 'OLD' AND 'NEW' VALUES  
IN MODERN PERSIAN PROSE: A CASE  
STUDY OF CHANGING SOCIO-CULTURAL  
PATTERNS"**

*Dissertation submitted to the Jawaharlal Nehru University in  
partial fulfillment of requirements for the award of the degree of*

**MASTER OF PHILOSOPHY**

By

**NURUL HAQUE SIWANI**

Under the supervision of

**Dr. SYED AINUL HASAN**



**CENTRE OF PERSIAN AND CULTURAL ASIAN STUDIES  
SCHOOL OF LANGUAGE, LITERATURE AND CULTURE STUDIES  
JAWAHAR LAL NEHRU UNIVERSITY  
NEW DELHI-110067**

**INDIA**

**2002**